

پزشکیان

همه ما در قبال حفاظت از محیط زیست مسئولیم



رئیس جمهور با تأکید بر اینکه اصل پنجاهم قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را بر عهده همگان در هر جایگاهی گذاشته است، در فضای مجازی نوشت: همه ما در قبال حفاظت از محیط زیست مسئولیم.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، مسعود پزشکیان، رئیس جمهور در فضای مجازی نوشت: روز و هفته جهانی محیط زیست، هشدار درباره حال و آینده زندگی روی کره زمین است. تمام حکومت‌ها و جوامع در هر تصمیم و اقدامی باید پایداری زیرساخت‌های طبیعی را در اولویت قرار دهند. اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت از محیط زیست را بر عهده همگان در هر جایگاهی گذاشته است. همه ما مسئولیم.

حمایت قاطع مجلس از نیروهای مسلح؛ اهمیت میدان، خیابان و دیپلماسی



عباس گودرزی سخنگوی هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی در جلسه پنجمین جلسه از نیروهای مسلح، اظهار کرد: مجلس شورای اسلامی قاطعانه حامی و پشتیبان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران است و صراحتاً اعلام می‌کند در برابر هر تهدیدی از سوی دشمنان، پاسخ ایران غیر قابل پیش‌بینی، فراگیر و ویرانگر خواهد بود. وی در گفتگو با تسنیم، با اشاره به حضور مردم در خیابان‌ها و میادین شهرها گفت: ملت ایران با یکصد شب حضور مقتدرانه با وجود تهدیدات گوناگون دشمن نشان داده‌اند که در مسئله مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن تردیدی ندارند و پیام حضور مداوم آنها در صحنه این است که تنها راه رسیدن به صلح پایدار، مقاومت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌های دشمن است و تسلیم در قلموس ملت ایران معنا ندارد.

سخنگوی هیئت رئیسه مجلس تصریح کرد: امروز خیابان، میدان و دیپلماسی سه ضلع مبارزه تاریخی ایران در برابر ائتلاف آمریکایی - صهیونیستی است و با هماهنگی کامل و تقویت یکدیگر با تبعیت از رهبر معظم انقلاب، هر تهدیدی را به فرصت تبدیل کرده و بر این باورند که ایران کشوری قدرتمند و دارای نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در نظم امروز و فردای جهان است. گودرزی با بیان اینکه همه از کان نظام در برابر دشمن «ید و اوح» هستند، گفت: نقش خیابان‌ها (مردم) از این جهت بسیار اساسی و مهم است که هم میدان را پررنگ‌تر می‌کند و هم پشتیبان تیم مذاکره‌کننده دیپلماسی است. نماینده بروجرد در مجلس تأکید کرد: قطعاً با همدلی و اتحاد مقدس دشمنان این ملت و کشور نایب می‌شوند و آینده ایران همچون همیشه، آینده‌ای روشن و پر فروغ خواهد بود.

اطلاعیه شماره ۲ ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید امام خامنهای منتشر شد. به گزارش تسنیم، اطلاعیه شماره ۲ ستاد بزرگداشت عروج خونین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنهای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه منتشر شد.

متن اطلاعیه به شرح زیر است:
بسم الله الرحمن الرحيم
با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ی انجام‌شده برای برگزاری باشکوه

سخنگوی دولت از دستور رئیس‌جمهور برای یافتن منبع پایدار افزایش رقم کالابریگ داد. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز گذشته در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، طی سخنانی ضمن گرمیادداشت یاد شهدای ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ در سال‌روز آغاز جنگ تحمیلی دوم، بیان کرد: در یک سال گذشته شاهد بودیم که نیروهای مسلح با اقتدار عزت ملی را زنده کردند و با وحدت توانستیم مقابل دشمن، ایستادگی داشته باشیم. این مقاومت یعنی با وحدت می‌توان مشکلات را حل کرد.

به گزارش تسنیم، مهاجرانی در ادامه درباره فرارسیدن هفته محیط زیست، اظهار کرد: به فعالان این عرصه خدقوت می‌گویم و حدود ۱۲ میلیون مترمکعب کاهش فلرسوزی را داشتیم که این کار به پیگیری دستگاه محیط‌زیست کلید خورد، هم‌چنین پیگیری قانونی هوای پاک در این حوزه دنبال می‌شود. سخنگوی دولت در ادامه سخنان خود، درباره عملکرد وزارت تعاون خاطر نشان کرد: وزیر کار دستور اجرای افزایش حقوق کارگران را صادر کرد و احکام بازنشستگان نیز صادر شده است.

مهاجرانی در بخش دیگری از سخنان خود از مردم عزیزان که بیش از ۱۰۰ شپ است در خیابان حضور دارند، قدر دانی کرد. وی در پاسخ به سؤالی در خصوص برنامه دولت در خصوص افزایش رقم کالابریگ الکترونیکی، گفت: دولت علاقه‌مند به افزایش نرخ کالابریگ است ولی اگر منبع پایدار در نظر گرفته نشود، اجرای طرح به اشکال می‌خورد. دولت در تلاش است وضعیت اقتصاد را مدیریت کند و همچنین می‌کوشد بارانه‌ها به هدف برسد. دستور رئیس‌جمهور یافتن

بدرقه و تشییع پیکر مطهر قائد شهید بعد از دهه اول محرم انجام می‌شود

در اقامه عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله‌الحسین علیه‌السلام و اهمیت برپایی عزاداری‌های این ایام در اقصی نقاط ایران و جهان؛ مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد. جزئیات این مراسم، متعاقباً در فاصله زمانی مناسب توسط این ستاد اعلام خواهد شد.

مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنهای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، به‌اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشر شده در فضای رسانه‌ای داخل و خارج کشور در خصوص زمان و جزئیات مراسم مذکور که موجب ابهام بسیاری از علاقه‌مندان به حضور در این رویداد عظیم شده، فاقد اعتبار است.

با عنایت به سیره‌ی رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف

مهاجرانی: دستور افزایش رقم کالابریگ صادر شده؛ دنبال منبع پایدار هستیم

سخنگوی دولت از دستور رئیس‌جمهور برای یافتن منبع پایدار افزایش رقم کالابریگ خبر داد. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت روز گذشته در نشست خبری خود با اصحاب رسانه، طی سخنانی ضمن گرمیادداشت یاد شهدای ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، عنوان کرد: ساختار بودجه بر مبنای دخر و خرج کشور پیش‌بینی می‌شود و ساختار بودجه طبق جنگ بسته نشده و بر اساس برنامه‌ها آماده می‌شود. البته دولت برنامه شرایط اضطرار را مقابله‌سازی را مصوب کرده بود، اگر نیاز باشد که اصلاحاتی در بودجه اعمال شود، صورت خواهد گرفت.

مهاجرانی درباره رسیدگی به آسیب‌دیدگان از جنگ، بیان کرد: می‌دانیم که شرایط سختی برای آسیب‌دیدگان از جنگ عارض شده و دشوار است و از صبوری‌شان تشکر می‌کنیم. موضوع رسیدگی به این عزیزان به‌صورت جدی دنبال می‌شود و بودجه مربوطه نیز اختصاص یافته است. وی در پاسخ به سؤالی تسنیم درباره برنامه دولت برای پرداخت وام از دواج در سال ۱۴۰۵، اظهار کرد: برنامه دولت این است که امسال ۷۵ درصد افزایش پرداخت را در موضوع وام‌ها داشته باشیم تا صاف کاهش یابد. دادن کالای چپیز به و لوازم خانگی مطرح است؛ این یکی از پیشنهادات است تا صنعت لوازم خانگی بیش از پیش تقویت شود. البته این سخن به این معنا نیست که دادن کالای چپیز به، یک الزام و در برنامه دولت است.

سخنگوی دولت در خصوص برنامه دولت برای مدیریت برقی و مصارف مردم در این زمینه، بیان کرد: دولت همیشه تأکید کرده که مصرف کاهش یافته و بهینه‌شود تا توانیم بهتر وضعیت را سپری کنیم. اقداماتی متعددی در این زمینه در حال انجام است و با پر مصرف‌ها برخورد خواهد شد. توزیع صحیح انرژی با جدیت در حال انجام است. امیدواریم با همکاری مردم شاهد حداقل

خاموشی‌ها را داشته باشیم. مهاجرانی در پاسخ به سؤالی در خصوص تدابیر دولت در زمینه مهار گرانی دارو و خصوصاً داروهای بیماران خاص، خاطر نشان کرد: دولت در این زمینه تکلیف دارد و باید نظام درمان را اصلاح کند. جنگ فقط به زیرساخت‌های صنعت و فولاد آسیب نرزد و شرکت‌های دارویی مورد آسیب قرار گرفت. وزارت بهداشت ۴ راهکار از جمله واردات سریع و هوشمند دارو، اصلاح نظامی قیمت‌گذاری، ارتقای سطح پوشش بیمه و تقویت تولید داخل را در این زمینه با قدرت دنبال می‌کند.

وی در پاسخ به سؤالی درباره ماجرای دریافت پول‌های بلوکه‌شده ایران در جریان مذاکرات و همچنین برخی اخبار برانگیزه‌مینی بر بعضی جبهه‌جایی‌ها در این زمینه، گفت: هرگونه انتقال منابع ارزی که انجام بگیرد با اطلاع بخش‌های مربوطه خواهد بود. ضمناً باید بگوییم که ما درباره منابع ملی مان کوتاه نمی‌آییم و از ابزار دفاع و دیپلماسی در این راستا استفاده خواهیم کرد.

سخنگوی دولت در ادامه درباره تبادل آتش اخیر بین ایران و رژیم صهیونی که در عملیات نصر انجام شد، اظهار کرد: ایران و لبنان نیابتی یکدیگر نیستند اما دشمن مشتکی دارند. همان‌طور که رهبر شهید انقلاب فرمودند، دشمن با ما دشمنی تمدنی دارد. مسیر دیپلماسی و قدرت دفاعی در خدمت استیفای حقوق مردم هست و خواهد بود. ما تمام توان خود را برای این کار استفاده می‌کنیم؛ برای تیم دیپلماسی که آگاه به میدان هستند، از جمله آقای قالیباف که فرمانده جنگ بوده و آقای عراقچی فرمانده دیپلماسی هست از روی توفیق داشته و برای کسانی که با قدرت پای لاجرم می‌روند و قدرت را به دنیا نشان می‌دهند، از روی سلامت داریم.

برگزاری انتخابات شوراها تا پایان تابستان به شرط موافقت شعاع



است. همچنین هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی با اشاره به شرایط جنگی کشور مصوب کرد که اعضای هیات رئیسه شوراهای اسلامی ششم، شهرداران و دهیاران تا زمان برگزاری انتخابات و انتخاب اعضای شوراهای هفتم به فعالیت قانونی خود ادامه دهند. در ادامه این نشست هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور با تأکید بر ضرورت برگزاری سریعتر انتخابات گفت: تجربه مهم حضور مردم در میدان در یکصد روز گذشته نشان داد که می‌توان از ظرفیت گسترده مردمی برای تمهید شرایط اجرایی انتخابات بهره گرفت و درباره برگزاری انتخابات در نخستین زمان ممکن تصمیم‌گیری کرد. سیدمرتضی محمودی با اشاره به اینکه تعویق طولانی مدت انتخابات شوراهای مطلوب مردم نیست افزود: مردم به شیوه‌های مختلف از نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی می‌خواهند که شرایط برگزاری انتخابات شوراها را هر چه سریعتر فراهم کنند. محمودی تأکید کرد برگزاری انتخابات در تثبیت موقیت نظام از بعد داخلی و بین‌المللی نیز آثار مثبت و پیام روشنی خواهد داشت.

رئیس هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور از تمهید همه مقدمات برگزاری هفتمین دوره انتخابات شوراهای خیر داد و گفت: تصمیم‌گیری درباره زمان برگزاری انتخابات با موافقت شورای عالی امنیت ملی صورت خواهد گرفت. به گزارش خبرگزاری صداوسیما، محمد صالح جوکار در نشست مشترک اعضای هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی کشور و ستاد انتخابات وزارت کشور با تأکید بر ضرورت برگزاری انتخابات در سریع‌ترین زمان ممکن تصریح کرد: در صورت تأمین نظر شورای عالی امنیت ملی، هیات نظارت و ستاد انتخابات کشور آمادگی دارند که انتخابات را تا پایان تابستان برگزار کنند. به گفته جوکار هیات مرکزی نظارت و ستاد انتخابات کشور برای تصمیم‌گیری در این باره متنی را تنظیم و به دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی ارسال خواهند کرد. در نشست روز گذشته زینی وند، رئیس ستاد انتخابات کشور هم از آماده شدن همه امکانات، زیرساخت‌ها و لوازم برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خبر داد و افزود: ستاد انتخابات کشور منتظر تصمیم‌گیری شورای عالی امنیت ملی درباره زمان برگزاری انتخابات

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی فقدان سند مالکیت

غول‌های آلومینیوم جهان

۱		چین	۴۳ میلیون تن
۲		هند	۴.۲ میلیون تن
۳		روسیه	۳.۸ میلیون تن
۴		کانادا	۳.۳ میلیون تن
۵		امارات متحده عربی	۲.۷ میلیون تن
۶		بحرین	۱.۶ میلیون تن
۷		استرالیا	۱.۵ میلیون تن
۸		نروژ	۱.۳ میلیون تن
۹		برزیل	۱.۱ میلیون تن
۱۰		مالزی	۸۷۰ هزار تن

بر اساس داده‌های سال مالی ۲۰۲۵

تسویه بدهی‌ها، شفافیت مالی و آغاز فاز جدید توسعه در سنگ آهن مرکزی بافق

برنامه‌ها می‌شود تا همه در سرمایه‌های این مجموعه شریک باشند.

مدیرعامل در خصوص خرید و بازسازی ساختمان دفتر یزد (که پیش از این مخروبه بود) گفت: این کار با هدف حفظ سرمایه شرکت، ایجاد پایگاهی مناسب برای مذاکرات اقتصادی و حفظ شأن سنگ آهن مرکزی در سطح استان انجام شده است.

عسکری تصریح کرد: «در کنار توسعه معدن، شرکت «چغارت ریل» را به عنوان یک بازوی لجستیکی قدرتمند (ریلی و جاده‌ای) فعال کرده‌ایم. هدف این است که مردم بافق و پرسنل شرکت در سود جابه‌جایی میلیون‌ها تن بار شریک شوند. با صدور هر بارنامه، باید نفع آن به جای افراد خاص، به مردم و بازنشستگان عزیز برسد.

عسکری گفت: «در کنار توسعه معدن، شرکت «چغارت ریل» را به عنوان یک بازوی لجستیکی قدرتمند (ریلی و جاده‌ای) فعال کرده‌ایم. هدف این است که مردم بافق و پرسنل شرکت در سود جابه‌جایی میلیون‌ها تن بار شریک شوند. با صدور هر بارنامه، باید نفع آن به جای افراد خاص، به مردم و بازنشستگان عزیز برسد.

حمایتی داریم. به شایعات توجه نکنید؛ واقعیت همان شفافیتی است که در سامانه پیش روی شماست.

عسکری گفت: بافق در مسیر یک سرمایه‌گذاری عظیم قرار دارد و این حجم از توسعه، نیازمند زیرساخت‌هایی در تراز ملی است. در همین راستا، برنامه‌های راهبردی شرکت در حوزه‌های حمل‌ونقل، اسکان و تأمین خوراک با جدیت در حال پیگیری است.

مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی ادامه داد: پس از پیگیری‌های مستمر و مکاتبات جدید، پروژه فرودگاه بافق دوباره فعال شده است. محل دقیق تقریب فرودگاه مشخص شده و امسال حدود ۲۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای آن پیش‌بینی کرده‌ایم. با حضور استاندار یزد، عملیات اجرایی آن کلنگ‌زنی خواهد شد. همچنین در ریزنی با هواپیمایی آسمان، به دنبال برقراری حداقل ۳ تا ۴ پرواز هفتگی هستیم. با توجه به ارادت ویژه مردم بافق به حضرت رضا (ع)، اولویت اصلی ما برقراری پروازهای مشهد مقدس خواهد بود.

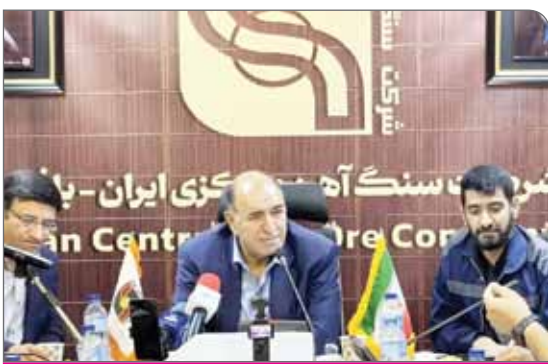
عسکری گفت: برای تسهیل تردد کارگران و مهندسان، طرح قطار بین‌شهری در حال عملیاتی شدن است. مذاکرات با مسئولان راه‌آهن یزد انجام شده و پروسه تأمین و بازسازی واگن‌ها در حال انجام است.

محمدجواد عسکری مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی ایران، با تأکید بر شفافیت و پاسخگویی، از برنامه‌های جدید برای ایجاد درآمد پایدار، حمایت از کامیون‌داران و سهامدار کردن کارکنان و شهروندان خبر داد و گفت: سنگ آهن مرکزی بافق، با تسویه بخش عمده بدهی‌های مربوط به معدنچیان و چغارت، گام مهمی در جهت تقویت اعتماد عمومی برداشته است.

تسویه ۱۰۰ میلیارد تومانی بدهی معدنچیان و گوهران چغارت مدیرعامل شرکت ادامه داد: دغدغه کامیون‌داران بافقی، دغدغه ماست و برای تمام کامیون‌های موجود در شهرستان بار داریم و اجازه نمی‌دهیم ظرفیت آن‌ها خالی بماند همچنین در بحث مطالبات معدنچیان و مجموعه «گوهران چغارت» نیز بخش عمده بدهی‌ها (حدود ۱۰۰ میلیارد تومان) پرداخت شده و تنها مبلغ اندکی باقی‌مانده که آن هم در حال تسویه است.

درآمد ماهیانه برای نهادهای مذهبی و فرهنگی شهر عسکری گفت: ما به دنبال ایجاد یک «عایدی پایدار» برای شهر هستیم به جای اینکه نهادهای فرهنگی و مذهبی شهر هر بار برای هزینه‌های خود به مدیریت مراجعه کنند، از محل سود همین سهام و مصوبات هیئت‌مدیره، یک درآمد ماهیانه و «آب‌باریک» همیشگی برای امور فرهنگی، مذهبی و اجتماعی شهر ایجاد می‌کنیم تا این مجموعه‌ها مستقل و توانمند شوند.

تضمین به رونق و نقدینگی؛ پایان شایعات با شفافیت سامانه‌ای وی تأکید کرد: تضمین می‌دهم که این مسیر، مسیر رونق و نقدینگی است. ما حتی برای کسانی که توان درآمدزایی ندارند هم برنامه‌های



خریداری می‌شود تا همه در سرمایه‌های این مجموعه شریک باشند.

مدیرعامل در خصوص خرید و بازسازی ساختمان دفتر یزد (که پیش از این مخروبه بود) گفت: این کار با هدف حفظ سرمایه شرکت، ایجاد پایگاهی مناسب برای مذاکرات اقتصادی و حفظ شأن سنگ آهن مرکزی در سطح استان انجام شده است.

عسکری تصریح کرد: «در کنار توسعه معدن، شرکت «چغارت ریل» را به عنوان یک بازوی لجستیکی قدرتمند (ریلی و جاده‌ای) فعال کرده‌ایم. هدف این است که مردم بافق و پرسنل شرکت در سود جابه‌جایی میلیون‌ها تن بار شریک شوند. با صدور هر بارنامه، باید نفع آن به جای افراد خاص، به مردم و بازنشستگان عزیز برسد.

آگهی مناقصه شماره ۱۴۰۵/۸ (یک مرحله‌ای از طریق ارزیابی کیفی)



شرکت مخابرات ایران - منطقه فارس در نظر دارد نسبت به خرید انواع باتری همراه با متعلقات و جایگاه به شرح جدول ذیل براساس مشخصات موجود در اسناد از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. لذا از کلیه تأمین کنندگان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید.

ردیف	نوع باتری	سول
۱	باتری ۲ ولت ۲۰۰۰ آمپر ساعت سبیلد همراه با متعلقات و جایگاه	۲۴
۲	باتری ۲ ولت ۲۰۰۰ آمپر ساعت سبیلد همراه با متعلقات و جایگاه	۷۲
۳	باتری ۲ ولت ۱۵۰۰ آمپر ساعت سبیلد همراه با متعلقات و جایگاه	۷۲
۴	باتری ۲ ولت ۶۰۰ آمپر ساعت سبیلد همراه با متعلقات و جایگاه	۲۴۰
۵	باتری ۱۲ ولت ۶۵ آمپر ساعت سبیلد همراه با متعلقات و جایگاه	۴۴

متقاضیان جهت کسب اطلاعات بیشتر به پرتال این منطقه به آدرس FA.TC.I.R مراجعه نمایند.

شرکت مخابرات ایران - منطقه فارس

آگهی «لغو» دعوت به مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام



شرکت گسترش انرژی تخت جمشید (سهامی خاص) شماره ثبت ۴۷۱۵۵۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۷۳۵۱۱

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم با نمایندگان قانونی شرکت گسترش انرژی تخت جمشید (سهامی خاص) می‌رساند، جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام شرکت ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۴/۰۹، منتشر شده در روزنامه صمت به تاریخ ۱۹ خرداد ۱۴۰۵ لغو می‌گردد و تاریخ جدید برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام متعاقباً اعلام خواهد گردید.

شرکت پتروشیمی فیروزآباد (سهامدار عمده)

آگهی مشفودی

برگ سبز - کلاوت خودروی سواری پراید ۱۳۱sl مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۲۵۶-۴۲۶ و شماره شاسی ۵۵۱۴۱۲۲۹۰۰۰۴۹۸ به شماره انتظامی ۳۱۳ د ۵۱ - ایران ۹۵ به نام حسن شهنوازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مشفودی

سند مالکیت (برگ سبز) خودروی وانت پیکان OHV ۱۶۰۰ به رنگ سفید شیری مدل ۱۳۸۸ به نام علی اسحاقی نرشیری به شماره انتظامی ۱۲۱ ب ۳۸ - ایران ۱۲ به شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۸۲۰۹۹ و شماره شاسی ۱۱۴۸۸۰۸۲۰۹۹۱ NAA۸۳۶A۸۱AG۸۸۸۶۹۱ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مشفودی

برگ سبز و کلاوت و کلاوت سوخت خودروی سواری MVMX۲۳ مدل ۱۳۹۲ به شماره انتظامی ۵۵۳ و ۲۵ - ایران ۲۱ به شماره موتور ۲۷۸۳۶۰۲۷۸۳۶ MVM۴۸۴FAFD و شماره شاسی ۱۰۲۷۸۱۶ NATGBAXKAD۱۰۲۷۸۱۶ به نام فاطمه ملانی شندکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

صورت از ضرورت بازطراحی نظام مالیاتی گزارش می دهد

مالیات بر تراکنش های بخش خاکستری



شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

نامساعدترین بخش اقتصاد

بررسی نتایج تازه ترین گزارش پایش ملی محیط کسب و کار ایران نشان می دهد فضای فعالیت اقتصادی کشور در زمستان ۱۴۰۴ نسبت به فصل قبل با وخامت جزئی مواجه شده و فعالان اقتصادی همچنان با مجموعه ای از چالش های ساختاری و کوتاه مدت دست و پنجه نرم می کنند. براساس این گزارش که توسط مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران تهیه شده، شاخص کل محیط کسب و کار در زمستان پارسال به ۶۰۲۰٪ رسید. ۱۰ رسیده است؛ شاخصی که هرچه مقدار آن به عدد ۱۰ نزدیک تر باشد، بیانگر نامساعدتر بودن شرایط کسب و کار است.

به گزارش مهر، بررسی روند تغییرات این شاخص نشان می دهد محیط کسب و کار کشور در مقایسه با پاییز ۱۴۰۴ اندکی بدتر شده است. شاخص مذکور در فصل پاییز ۶۰۱۳٪ بود که در زمستان به ۶۰۲۰٪ افزایش یافته و در نتیجه شرایط کسب و کار از نگاه فعالان اقتصادی ۱۰٪ درصد نامساعدتر ارزیابی شده است. همچنین مقایسه این شاخص با زمستان سال گذشته نیز از تشدید مشکلات حکایت دارد؛ به گونه ای که شاخص محیط کسب و کار از ۶۰۰۱٪ در زمستان سال قبل به ۶۰۲۰٪ در زمستان ۱۴۰۴ رسیده و معادل ۳۰۰۵٪ درصد افزایش یافته است. این گزارش بر پایه ترکیب داده های حاصل از ۲۸ مؤلفه پیمایشی و ۲۲ مؤلفه آماری تهیه شده و تصویری نسبتاً جامع از شرایط فعالیت اقتصادی در کشور ارائه می دهد.

سه مانع اصلی از نگاه فعالان اقتصادی

مطابق ارزیابی فعالان اقتصادی، مهم ترین مانع پیش روی کسب و کارها همچنان بی ثباتی و غیرقابل پیش بینی بودن قیمت ها است. شاخص «غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات» با امتیاز ۸۰۳۹٪ در صدر مشکلات قرار گرفته و فاصله محسوسی با سایر مؤلفه ها دارد. این موضوع نشان می دهد که ناطمینانی ناشی از نوسانات قیمت ها همچنان بزرگ ترین دغدغه بنگاه های اقتصادی است و برنامه ریزی تولید، سرمایه گذاری و فروش را با دشواری مواجه می کند. پس از آن، «دشواری تأمین مالی از بانک ها» دومین مانع اصلی معرفی شده که بیانگر تداوم مشکلات دسترسی بنگاه ها به منابع مالی و اعتباری است.

در رتبه سوم نیز «محدودیت دسترسی به اینترنت و شبکه تلفن همراه» قرار گرفته؛ موضوعی که برای نخستین بار در میان سه مانع اصلی محیط کسب و کار کشور دیده می شود و از اهمیت روزافزون زیرساخت های ارتباطی در فعالیت های اقتصادی حکایت دارد.

ارزیابی محیط کسب و کار در بخش های مختلف اقتصادی نیز تفاوت هایی را نشان می دهد. بر اساس داده های گزارش، بخش کشاورزی با شاخص ۶۰۰۳٪ مساعدترین وضعیت را در میان سه بخش اصلی اقتصاد داشته است. پس از آن، بخش خدمات با شاخص ۶۰۱۱٪ قرار دارد و در نهایت بخش صنایع با شاخص ۶۰۱۷٪ نامساعدترین شرایط را تجربه کرده است. هرچند فاصله این ارقام چندان زیاد نیست، اما نشان می دهد فعالان صنعتی فشار بیشتری را نسبت به سایر بخش ها احساس می کنند.

رتبه بندی استان ها

از منظر جغرافیایی نیز تفاوت های قابل توجهی میان استان ها وجود دارد. در زمستان ۱۴۰۴، استان چهارمحال و بختیاری موفق شده بهترین رتبه محیط کسب و کار را در کشور به خود اختصاص دهد. پس از این استان، البرز در جایگاه دوم و خراسان جنوبی در رتبه سوم قرار گرفته اند. این نتایج نشان می دهد شرایط فعالیت اقتصادی در برخی استان ها از منظر اداری، زیرساختی و اجرایی مناسب تر از میانگین کشور ارزیابی شده است.

فعالیت واحدها با ۳۴ درصد ظرفیت واقعی

یکی از مهم ترین یافته های این گزارش به وضعیت بهره برداری از ظرفیت بنگاه های اقتصادی مربوط می شود. طبق اعلام مرکز پژوهش های اتاق ایران، بنگاه ها در زمستان ۱۴۰۴ به طور متوسط تنها با ۳۴ درصد ظرفیت واقعی خود فعالیت کرده اند.

این رقم نسبت به فصل گذشته ۲ درصد کاهش یافته و همچنین کمترین میزان ثبت شده در ۲۵ دوره اجرای طرح پایش محیط کسب و کار محسوب می شود. کاهش ظرفیت عملیاتی بنگاه ها می تواند نشانه ای از تضعیف تقاضا، محدودیت های مالی، افزایش هزینه های تولید و استمرار ناطمینانی در فضای اقتصادی کشور باشد.

در بخش دیگری از گزارش، شاخص محیط کسب و کار بر اساس مدل کارآفرینی شین محاسبه شده که رقم ۶۰۲۲٪ را نشان می دهد. بررسی اجزای این شاخص حاکی از آن است که محیط مالی با امتیاز ۸۰۳۰٪ نامساعدترین حوزه از نگاه فعالان اقتصادی بوده است؛ موضوعی که با قرار گرفتن دشواری تأمین مالی در میان مهم ترین موانع کسب و کار همخوانی دارد. در مقابل، محیط قانونی و حقوقی با امتیاز ۵۰۲۴٪ مساعدترین ارزیابی را به خود اختصاص داده است.

در مجموع، نتایج پایش زمستان ۱۴۰۴ نشان می دهد که اگرچه تغییر شاخص کل محیط کسب و کار نسبت به فصل قبل محدود بوده، اما روند کلی همچنان از تداوم فشارها بر فضای اقتصادی کشور حکایت دارد. نوسانات شدید قیمت ها، دشواری دسترسی به منابع مالی، محدودیت های ارتباطی و کاهش ظرفیت فعالیت بنگاه ها مهم ترین نشانه های این وضعیت هستند؛ عواملی که در صورت تداوم، می تواند بر تولید، سرمایه گذاری و رشد اقتصادی کشور در ماه های آینده اثرگذار باشند.

آینده حکمرانی مالی، در گرو مشاهده پذیری و نظم جریان پول است

مالیات بر تراکنش جایگزین تمامی مالیات های درآمدهای جمله مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر حقوق و همچنین مالیات بر ارث می شود

مالیات بر تراکنش های بانکی در شرایطی مطرح شده که نظام مالیاتی کشور با پیچیدگی، پراکندگی و هزینه های اجرایی بالا روبه روست و همین مسئله، هم بر کارایی اقتصاد فشار وارد کرده و هم بر شفافیت مالی سایه انداخته است.

در چنین فضایی، طرح جایگزینی مالیات های متعدد با یک پایه واحد و فراگیر می تواند به عنوان تلاشی برای

بازطراحی رابطه دولت، اقتصاد و مؤدیان ارزیابی شود؛ تلاشی که هدف آن ساده سازی اخذ مالیات، کاهش فرار مالیاتی و افزایش شفافیت در جریان های مالی است. این رویکرد از یک سو می کوشد ساختار سنتی و پر هزینه مالیات سستانی را به مدلی قابل رصد و کم اصطکاک تبدیل کند و از سوی دیگر، مسیر تصمیم گیری اقتصادی را برای دولت و فعالان اقتصادی روشن تر سازد. با این حال، اجرای

مالیات بر تراکنش های بانکی از ضرورت تا اجرا

بودند. این توزیع مجدد بار مالیاتی، هم عدالت مالیاتی را تقویت می کند و هم فشار را از گروه های رسمی می گیرد. در مجموع، این رویکرد نشان می دهد اصلاح مالیاتی نه فقط به افزایش درآمد نیاز دارد، بلکه به بازتعریف ساختار عدالت و توزیع مسئولیت در اقتصاد نیز وابسته است.

نکته کلان دیگر، تأثیر این مالیات بر کاهش فساد و رانت از طریق ردیابی جریان پول است. فساد اداری و مالی در بسیاری از موارد ناشی از عدم تطابق بین گردش واقعی پول و اسناد رسمی است. زمانی که هر تراکنش بانکی قابلیت ردیابی دارد، رفتارهای فرصت طلبانه مانند فاکتورسازی صوری، حساب های اجاره ای و گردش های ساختگی، هزینه بر و پریسک می شوند. این امر در نهایت سلامت نظام مالی را بالا می برد و رقابت پذیری بخش خصوصی را تقویت می کند. به ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط که بیشترین آسیب را از رقابت نابرابر با فعالیت های ریززمینی دیده اند، از این اصلاح منتفع می شوند. بنابراین مالیات بر تراکنش، علاوه بر جمع آوری درآمد، به تقویت شفافیت و رقابت در اقتصاد نیز کمک می کند.

از منظر اقتصاد کلان، مالیات بر تراکنش ها می تواند به سیاست گذاری پولی کارآمدتر و کاهش وابستگی دولت به درآمدهای غیر پایدار کمک کند. بانک مرکزی برای تنظیم نرخ

مالیات بر تراکنش های بانکی در ظاهر یک ابزار جمع آوری درآمد به نظر می رسد، اما در واقعیت بیشتر از این، یک بازتعریف ساختاری از رابطه دولت، اقتصاد و شفافیت است. در اقتصادهای در حال گذار، یکی از چالش های پایدار، وجود بخش عظیمی از فعالیت های اقتصادی در بخش خاکستری است؛ جایی که معاملات نقدی، حساب های غیررسمی و جابه جایی های پنهان پول، زیرساخت مالی کشور را از تصویری درست و شفاف محروم می کند. این وضعیت نه تنها درآمد دولت را تهدید می کند، بلکه عدالت مالیاتی را نیز تضعیف می سازد. زیرا بار مالیاتی عملاً بر دوش گروه های رسمی و شفاف متمرکز می شود. در چنین فضایی، مالیات بر تراکنش ها می تواند به عنوان یک اصلاح کلان اقتصادی، جریان پول را از حالت خاکستری به حالت شفاف و قابل ردیابی تبدیل کند و پایه ای مبتنی بر داده های واقعی بسازد.

از منظر حکمرانی مالی، این پایه جدید مالیاتی گسترش قاعده مالیاتی را بدون افزایش نرخ ها ممکن می سازد. در اقتصادهایی که بار مالیاتی بیش از حد بر دوش بنگاه های رسمی و شفاف است، نه تنها انگیزه تولید کاهش می یابد، بلکه فشار مضاعف بر گروه های شفاف رضایت عمومی از نظام مالیاتی را نیز تضعیف می کند. اما مالیات بر تراکنش، شبکه وسیع تری از بازیگران اقتصادی را درگیر می سازد؛ کسانی که پیش از این عملاً از زیر بار مالیات خارج مانده

مالیات سستانی؛ جریان شفاف پول

امیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصاد، در گفت و گو با **اقتصاد** درباره آسیب های نظام مالیاتی مبتنی بر سود و درآمد در دوران جنگ و حذف عدالت مالیاتی گفت: در شرایط عادی، پایه های مالیاتی کشور مانند مالیات بر سود و مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی، سهم قابل توجهی از درآمدهای دولت را تشکیل می دهند، اما در دوران جنگ، همه این پایه ها با بی ثباتی شدید و خطر سقوط به صفر روبه رو می شوند. مالیات بر عملکرد شرکت ها، یکی از منابع کلیدی درآمد دولت است، اما در جنگ، بسیاری از مجتمع های صنعتی هدف حملات مستقیم دشمن قرار می گیرند. فولاد، پتروشیمی ها، پالایشگاه ها و کارخانجات تولیدی در معرض تخریب هستند و توقف تولید در این واحدها، به معنای کاهش یا حذف کامل درآمد مالیاتی حاصل از عملکرد آنهاست. حمله به زیرساخت های صنعتی نه تنها تولید را مختل می کند، بلکه زنجیره تأمین کشور را نیز دچار آسیب های زنجیره ای می سازد که اثرات آن بر کل اقتصاد و نظام مالیاتی گسترده و عمیق است.

اقبالی افزود: مالیات بر ارزش افزوده نیز در شرایط جنگی با چالش های جدی مواجه می شود. کاهش قدرت خرید مردم، محدود شدن واردات و اختلال در تولید داخلی، همگی به کاهش حجم معاملات و در نتیجه کاهش درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده منجر می شوند. همچنین، بسیاری از کسب و کارها در دوران رکود جنگی تعطیل یا کوچک تر می شوند و حجم مبادلاتی برای مسئولیت مالیات بر ارزش افزوده قابل توجه ندارند. مالیات بر حقوق و دستمزد نیز از این قاعده مستثنا نیست. در جنگ، بسیاری از مشاغل از بین می روند، تعدیل نیرو رخ می دهد و درآمدهای مردم کاهش می یابد؛ این امر هم حجم حقوق بگیران رسمی را کم می کند و هم درآمد مشمول مالیات هر فرد را کاهش می دهد. در نهایت، مالیات بر ارث و نقل و انتقال اموال نیز به دلیل رکود بازار مسکن و کاهش معاملات، عملاً به صفر نزدیک می شود.

اقبالی با اشاره به ناکارآمدی راهکارهای سنتی در شرایط بحرانی اظهار کرد: در چنین شرایطی، دولت ها معمولاً به راهکارهای غلط

چنین مدلی فقط یک تغییر فنی نیست، بلکه به معنای ورود به مرحله ای تازه از حکمرانی اقتصادی است؛ مرحله ای که در آن، شفافیت تراکنش ها، عدالت مالیاتی و نظم در نظام درآمدی دولت می تواند جایگزین سازوکارهای پیچیده و گاه غیر پایدار گذشته شود. **اقتصاد** در این گزارش نگاهی دارد بر تأثیرات اقتصادی مالیات بر تراکنش های بانکی و لزوم اصلاح ساختار مالیاتی که در ادامه می خوانید.

تورم و مدیریت نقدینگی، نیازمند تصویر دقیق و لحظه ای از رفتار پولی اقتصاد است؛ و تراکنش ها دقیق ترین منبع داده برای فهم رفتار مصرف کنندگان و بنگاه ها است. پایه مالیاتی جدید، اگر با دسترسی سیاست گذار به داده های تجمیع شده همراه باشد، امکان تحلیل عمیق تر و پیش بینی بهتر را فراهم می کند. علاوه بر این، این نوع مالیات درآمدی با ثبات و قابل پیش بینی ایجاد می کند که به ثبات بودجه دولت و ثبات اقتصادی کمک می سازد. در نهایت، مالیات بر تراکنش نه یک مانع برای فعالیت اقتصادی، بلکه ابزاری برای نظم مالی، عدالت مالیاتی و آینده حکمرانی مالی در گرو مشاهده پذیری و نظم جریان پول است. در نهایت، مالیات بر تراکنش های بانکی نه یک مانع برای فعالیت اقتصادی، بلکه ابزاری برای نظم مالی، عدالت مالیاتی و آینده حکمرانی مالی در گرو مشاهده پذیری و نظم جریان پول است.



به این صورت است که هر طرف معامله، معادل نیم درصد از ارزش تراکنش را به عنوان مالیات به حاکمیت پرداخت می کند؛ یعنی در هر خرید و فروش، هم خریدار و هم فروشنده، هر کدام نیم درصد از مبلغ تراکنش را مالیات می دهند. در مقابل، هیچ مالیات دیگری درآمدی پرداخت نخواهند کرد. این سازوکار، هم برای خریدار و هم برای فروشنده، ساده تر و شفاف تر از نظام مالیاتی فعلی است و بار اداری و بروکراسی را به میزان قابل توجهی کاهش می دهد.

اقبالی در پایان گفت: به عنوان مثال، اگر شخصی یک کالا به ارزش ۱۰ میلیون تومان خریداری کند، هم خریدار و هم فروشنده، هر کدام ۵۰ هزار تومان معادل نیم درصد به عنوان مالیات پرداخت می کنند. جمعاً یک درصد از ارزش معامله به عنوان مالیات اخذ می شود که از مجموع نرخ های مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر عملکرد و سایر مالیات های درآمدی کمتر است. در حالی که در نظام فعلی، ممکن است همین معامله مشمول مالیات بر ارزش افزوده، مالیات عملکرد فروشنده و در برخی موارد مالیات های دیگر شود که در مجموع بار مالیاتی بالاتری را بر هر دو طرف تحمیل می کند.

سخن پایانی

انجام می دهد. از این منظر، مالیات بر تراکنش، مالیات سستانی دستی و مبتنی بر اظهار را به مالیات سستانی دیجیتال و مبتنی بر واقعیت تبدیل می کند و پوشش تمام سطوح اقتصادی را ممکن می سازد. در افاق جنگ یا رکود، این سازوکار می تواند ثبات درآمدی دولت را حفظ کند بدون اینکه فشار مضاعفی بر مردم و تولیدکنندگان وارد کند؛ بنابراین آینده حکمرانی مالی در گرو شفافیت، نظم و مشاهده پذیری جریان پول است و مالیات بر تراکنش، پله ای برای گذار به این مرحله جدید است.

گندله؛ حلقه تنظیم گر زنجیره فولاد ایران

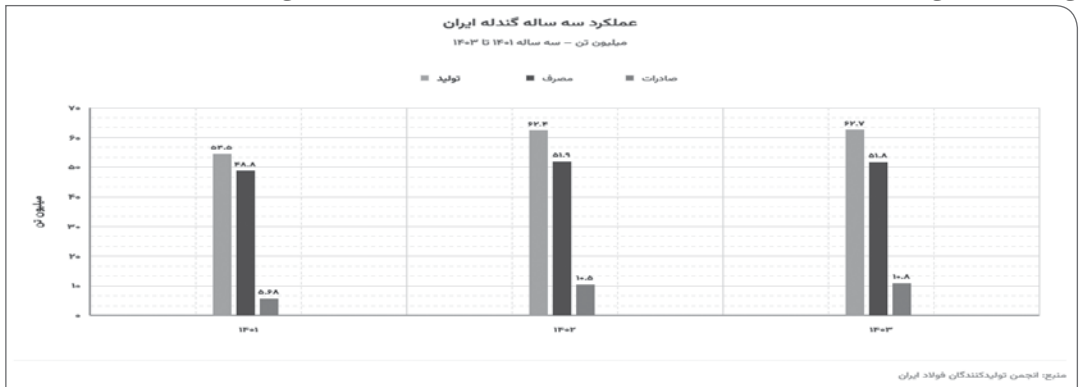


صنعت گندله به‌عنوان یکی از حلقه‌های راهبردی زنجیره فولاد، نقش مهمی در توازن میان تولید مواد اولیه و ظرفیت‌های فولادسازی کشور ایفا می‌کند. طی سال‌های اخیر، هم‌زمان با تکمیل بخش عمده ظرفیت‌های تولیدی و رشد صنایع پایین‌دستی، بازار گندله از مرحله توسعه کمی عبور کرده و وارد دوره‌ای شده است که در آن مدیریت مصرف داخلی، صادرات و بهره‌وری تولید اهمیت بیشتری نسبت به افزایش ظرفیت پیدا کرده است.

در این میان، تغییر الگوی مصرف، نوسانات بازار فولاد، محدودیت‌های انرژی و تحولات بازارهای صادراتی، ساختار صنعت گندله را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بررسی روند تولید، مصرف و صادرات گندله در سال‌های اخیر نشان می‌دهد این صنعت در حال ورود به فاز جدیدی از بلوغ و بازآرایی ساختاری است؛ مرحله‌ای که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده زنجیره فولاد و جایگاه ایران در بازارهای منطقه‌ای و جهانی ایفا کند. در این گزارش به بررسی مهم‌ترین تحولات صنعت گندله ایران در چهار سال اخیر پرداخته است.

رکوردشکنی صادرات در سایه تثبیت تولید

صنعت گندله ایران در چهار سال اخیر وارد مرحله‌ای از «تثبیت تولید با تغییر ساختار مصرف و صادرات» شده است؛ مرحله‌ای که نشان می‌دهد رشد تولید دیگر تنها عامل تعیین‌کننده بازار نیست و نحوه تخصیص محصول میان مصرف داخلی و صادرات، اثر بیشتری بر عملکرد زنجیره فولاد دارد.



صنعت گندله ایران در چهار سال اخیر وارد مرحله‌ای از «تثبیت تولید با تغییر ساختار مصرف و صادرات» شده است؛ مرحله‌ای که نشان می‌دهد رشد تولید دیگر تنها عامل تعیین‌کننده بازار نیست و نحوه تخصیص محصول میان مصرف داخلی و صادرات، اثر بیشتری بر عملکرد زنجیره فولاد دارد. داده‌های رسمی عملکرد تولید، مصرف و صادرات گندله ایران در بازه سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۳، تصویری از یک بازار در حال بلوغ ارائه می‌دهد؛ بازاری که با ظرفیت‌های تثبیت‌شده تولید، در حال مدیریت نوسانات تقاضا و تحولات بازارهای داخلی و صادراتی است.

بررسی روند تولید نشان می‌دهد تولید گندله ایران از ۵۴.۵ میلیون تن در سال ۱۴۰۱ به ۶۲.۴ میلیون تن در سال ۱۴۰۲ رسیده و سپس در سال ۱۴۰۳ به ۶۲.۶ میلیون تن افزایش یافته است. سال ۱۴۰۴ نیز تولید در سطح ۶۲.۷ میلیون تن تثبیت شده است. این آمار نشان می‌دهد پس از یک دوره رشد سریع، صنعت گندله ایران وارد فاز تثبیت شده و ظرفیت‌های موجود به

در سمت مصرف، داده‌ها حاکی از تغییرات آرام اما معنادار است. مصرف گندله از ۴۸.۸ میلیون تن در سال ۱۴۰۱ به ۵۱.۹ میلیون تن در سال ۱۴۰۲ رسیده و در این مدت در سطحی نسبتاً پایدار قرار داشته است. اما گزارش ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد مصرف داخلی به حدود ۴۲.۶ میلیون تن رسیده است؛ رقمی که نسبت به سال قبل کاهش نشان می‌دهد و می‌تواند ناشی از تغییرات عملیاتی در واحدهای فولادی، مدیریت موجودی‌ها، محدودیت‌های انرژی یا تعدیل تولید در برخی حلقه‌های زنجیره فولاد باشد. این تغییر ساختاری نشان می‌دهد مصرف گندله دیگر صرفاً تابع رشد تولید فولاد خام نیست و تصمیم‌های داخلی زنجیره فولاد، محدودیت‌های عرضه مواد اولیه و سیاست‌های قیمت‌گذاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در آن ایفا می‌کنند.

صادرات؛ یک متغیر نوسانی و حساس
بیشترین تغییر در این دوره مربوط به صادرات گندله است. صادرات از ۵.۶ میلیون تن در سال ۱۴۰۱ به ۱۰.۵ میلیون تن در سال ۱۴۰۲ افزایش یافت. در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۳ نیز صادرات به ۸.۴ میلیون تن رسید، اما در ۱۰ ماهه سال ۱۴۰۴ این رقم به ۱۰.۸ میلیون تن افزایش یافته است؛ رقمی که نشان‌دهنده رشد قابل توجه صادرات نسبت به مدت مشابه سال قبل است. این روند نشان می‌دهد صادرات گندله در

فصله بین تولید و مصرف نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، این شکاف در محدودیت‌های قابل مدیریت باقی مانده است. تولید تثبیت‌شده در سطح حدود ۶۲ میلیون تن، در حالی که مصرف داخلی بین ۴۲ تا ۵۲ میلیون تن نوسان داشته، نشان می‌دهد صنعت با یک مازاد نسبی مواجه است که از طریق صادرات و تنظیمات داخلی مدیریت شده است.

در واقع، گندله ایران در وضعیت «تعادل پویا با نوسان مدیریتی» قرار دارد؛ نه کمبود شدید و نه مازاد بحرانی، بلکه یک تعادل نسبی که امکان پاسخ سریع به تغییرات بازار و تقاضای داخلی را فراهم می‌کند. افزایش صادرات در سال ۱۴۰۴، در کنار تغییرات مصرف داخلی، می‌تواند اثرات متعددی بر بازار فولاد داشته باشد. از یک سو، رشد صادرات به بهبود درآمدهای ارزی تولیدکنندگان کمک می‌کند و از سوی دیگر، امکان مدیریت مؤثرتر مازاد تولید را فراهم می‌آورد.

ساختاری» شده است؛ مرحله‌ای که در آن رشد تولید متوقف نشده اما تغییرات اصلی در نحوه تخصیص محصول میان مصرف داخلی و صادرات رخ داده است. گندله، به‌عنوان حلقه میانی زنجیره فولاد ایران، نه تنها به‌عنوان منبع تأمین خوراک عمل می‌کند، بلکه نقش یک متغیر تنظیم‌کننده را نیز برای مدیریت مازاد تولید و پاسخ به تقاضای داخلی ایفا می‌کند. موقعیتی که اهمیت آن در شرایط نوسانی بازارهای جهانی و داخلی بیش از پیش آشکار شده است.

جایگاه گندله در معماری جدید زنجیره فولاد
طی سال‌های اخیر، نقش گندله در زنجیره فولاد ایران از یک محصول واسطه‌ای صرف فراتر رفته است. در گذشته، نگاه غالب به گندله به‌عنوان خوراک واحدهای احیای مستقیم بود، اما اکنون این محصول به یکی از متغیرهای کلیدی در تنظیم توازن کل زنجیره فولاد تبدیل شده است. هرگونه تغییر در تولید، مصرف یا صادرات گندله می‌تواند به‌صورت مستقیم بر عملکرد واحدهای آهن اسفنجی، فولادسازی و حتی بازار مواد اولیه معدنی اثر بگذارد.

این اهمیت زمانی بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم بخش عمده ظرفیت فولادسازی کشور بر پایه فناوری احیای مستقیم طراحی شده است؛ فناوری‌ای که وابستگی بالایی به تأمین پایدار گندله دارد. به همین دلیل، مدیریت بازار گندله دیگر صرفاً یک موضوع مربوط به تولیدکنندگان این محصول نیست، بلکه بخشی از سیاست‌گذاری کلان زنجیره فولاد محسوب می‌شود.

محدودیت‌های انرژی و اثر آن بر بازار گندله
یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که در سال‌های اخیر بر عملکرد صنعت گندله اثر گذاشته، محدودیت‌های انرژی بوده است. قطعی برق در فصل تابستان و محدودیت گاز در فصل زمستان نه تنها بر تولید واحدهای فولادی اثر می‌گذارد، بلکه الگوی مصرف گندله را نیز تغییر می‌دهد. در دوره‌هایی که واحدهای احیای مستقیم یا فولادسازی با محدودیت انرژی مواجه می‌شوند، مصرف گندله به طور موقت کاهش می‌یابد و بخشی



خورشید، صنعت و آینده؛ سه‌گانه توسعه پایدار

عبدالرسول احمدی
فعال صنعت فولاد

روز جهانی محیط‌زیست، فرصتی مغتنم برای بازاندیشی در نسبت میان توسعه، صنعت و مسئولیت ما در قبال منابع طبیعی و نسل‌های آینده است. در شرایطی که جهان با چالش‌های فزاینده‌ای همچون تغییر اقلیم، افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای، افت کیفیت هوا، محدودیت منابع آبی و فشار روزافزون بر منابع فسیلی مواجه است، نمی‌توان از توسعه سخن گفت، اما نسبت آن را با پایداری زیست‌محیطی نادیده گرفت. امروز توسعه پایدار، دیگر یک مفهوم نظری نیست؛ بلکه چارچوبی عملی برای سیاست‌گذاری، سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری در بخش انرژی به شمار می‌آید.

در این میان، انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌ویژه انرژی خورشیدی، جایگاهی تعیین‌کننده در بازرگانی نظام‌های تولید انرژی یافته‌اند. حرکت به سمت این منابع، صرفاً ناشی از دغدغه‌های محیط‌زیستی نیست، بلکه پاسخی راهبردی به ضرورت تنوع‌بخشی به سبد انرژی، کاهش شدت مصرف سوخت‌های فسیلی، افزایش تاب‌آوری شبکه برق و ارتقای امنیت انرژی در بلندمدت است. تجربه جهانی نیز به‌روشنی نشان داده است که هرچه سهم انرژی‌های پاک در ترکیب تولید برق افزایش یابد، امکان مدیریت پایدارتر منابع، کاهش هزینه‌های بیرونی آلودگی و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی و اقتصادی بیشتر خواهد شد.

انرژی خورشیدی از این منظر، یکی از مزیت‌دارترین گزینه‌ها برای کشور ما به شمار می‌رود. برخورداری کشور عزیزمان ایران از پهنه‌های گسترده با میزان تابش مطلوب، این امکان را فراهم کرده است که توسعه نیروگاه‌های خورشیدی به یکی از ارکان مهم در برنامه‌ریزی آینده صنعت برق تبدیل شود. نیروگاه‌های خورشیدی، ضمن کاهش وابستگی به سوخت‌های متعارف، می‌توانند در کاهش انتشار آلاینده‌ها، مدیریت بهتر مصرف منابع و تقویت پایداری شبکه، نقش مؤثری ایفا کنند. افزون بر این، توسعه این نیروگاه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای فناوری، شکل‌گیری زنجیره‌های جدید ارزش، ایجاد اشتغال تخصصی و جذب سرمایه‌گذاری در بخش انرژی‌های نو گردد.

واقعیت آن است که اثرات مثبت انرژی‌های پاک را باید فراتر از تولید برق ارزیابی کرد. هر واحد سرمایه‌گذاری در این حوزه، در عمل به معنای کاهش فشار بر محیط‌زیست، کاهش هزینه‌های اجتماعی به‌داشتی ناشی از آلودگی و حرکت به سمت اقتصادی کم‌کربن است. این رویکرد، به‌ویژه برای کشوری که هم‌زمان به توسعه صنعتی، رشد اقتصادی و صیانت از منابع طبیعی می‌اندیشد، یک انتخاب هوشمندانه و آینده‌نگرانه محسوب می‌شود. از همین رو، نگاه به انرژی‌های تجدیدپذیر نباید محدود به یک پروژه یا یک فناوری باشد؛ بلکه باید آن را بخشی از معماری جدید توسعه کشور دانست.

ما بر این باوریم که صنعت انرژی، افزون بر نقش زیرساختی خود در پشتیبانی از رشد اقتصادی، مسئولیتی مستقیم در قبال کیفیت محیط‌زیست و آینده زیست‌پذیری سرزمین دارد. از این منظر، توسعه انرژی خورشیدی برای ما تجلی یک رویکرد مسئولانه در قبال جامعه، محیط‌زیست و نسل‌های آینده است. باور داریم که نگاه‌های پیشرو، بنگاه‌هایی هستند که میان بهره‌وری اقتصادی، نوآوری فناورانه و تعهد زیست‌محیطی توازن برقرار می‌کنند.

در شرایط کنونی، حرکت به‌سوی انرژی‌های پاک نیازمند هم‌افزایی مؤثر میان سیاست‌گذار، سرمایه‌گذار، صنعت‌گر و جامعه تخصصی کشور است. تسهیل فرایندهای توسعه، حمایت از سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تجدیدپذیر، ارتقای دانش فنی، بومی‌سازی فناوری و ایجاد سازوکارهای پایدار اقتصادی، از جمله پیش‌نیازهای شتاب‌بخشی به این مسیر است. هر اندازه این هم‌افزایی منسجم‌تر و هدفمندتر باشد، امکان بهره‌برداری از ظرفیت‌های گسترده کشور در حوزه انرژی‌های نو نیز بیشتر خواهد شد.

روز جهانی محیط‌زیست، یادآور این حقیقت بنیادین است که حفاظت از طبیعت، علاوه بر تعهد اخلاقی، بخشی از عقلانیت توسعه در دنیای امروز است. آینده صنعت انرژی در جهان، آینده‌ای کم‌کربن، هوشمند، منکی بر فناوری‌های پاک و سازگارتر با محیط‌زیست خواهد بود. ما نیز اگر خواهان اقتصادی پایدار، صنعتی رقابت‌پذیر و جامعه‌ای سالم‌تر هستیم، ناگزیر از تقویت جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای خود خواهیم بود. در پایان، باید تأکید کرد که میراث ما برای آیندگان تنها در شاخص‌های رشد اقتصادی خلاصه نخواهد شد؛ بلکه در کیفیت هوایی که تنفس می‌کنند و ثباتی که در زیست‌بوم خود تجربه خواهند کرد، قضاوت می‌شود. ما به‌عنوان خادمان این صنعت، مسئولیم که چراغ‌های توسعه را با سوخت تدبیر و آگاهی به حرکت درآوریم. بیایید این روز را نه تنها به‌عنوان یک مناسبت، بلکه به‌عنوان «نقطه عطف تصمیم‌گیری برای آینده» قلمداد کنیم؛ آینده‌ای که در آن، شکوه صنعت و سلامت زمین، در توازن کامل با یکدیگر ایستاده‌اند.

گروه معدن
editor@smtnews.ir

داده‌های رسمی عملکرد مصرف و صادرات گندله ایران در بازه سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴، تصویری از یک بازار در حال بلوغ ارائه می‌دهد؛ بازاری که با ظرفیت‌های تثبیت‌شده تولید، نوسانات تقاضا و تحولات داخلی و صادراتی است

بازار صادراتی گندله ایران نیز در سال‌های اخیر با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است. کشورهای منطقه‌ای در رقابت صادراتی با بازارهای دیگر، نقش کلیدی در شکل‌دهی به صادرات گندله ایران دارند. در چنین شرایطی، گندله نه تنها خوراک واحدهای فولادی، بلکه یکی از ابزارهای تنظیم تعادل در کل زنجیره فولاد کشور به شمار می‌رود. استمرار تولید پایدار، توسعه بازارهای صادراتی، بهبود کیفیت و مدیریت انعطاف‌پذیر عرضه و تقاضا می‌تواند جایگاه این صنعت را در سال‌های آینده بیش از پیش تقویت کند و نقش آن را در ایجاد ارزش افزوده برای بخش معدن و فولاد کشور افزایش دهد.

از محصول تولیدی در سمت بازار صادراتی هدایت می‌شود. این موضوع باعث شده بازار گندله بیش از گذشته به شرایط زیرساختی کشور وابسته باشد. در واقع، بخشی از نوسانات مصرف داخلی که در سال‌های اخیر مشاهده شده، لزوماً ناشی از کاهش تقاضای واقعی نبوده، بلکه تحت تأثیر محدودیت‌های عملیاتی در صنایع پایین‌دستی شکل گرفته است. به همین دلیل، توسعه زیرساخت‌های انرژی می‌تواند در سال‌های آینده به یکی از عوامل تعیین‌کننده در رشد مصرف داخلی گندله تبدیل شود.

رقابت منطقه‌ای در بازار صادرات
بازار صادراتی گندله ایران نیز در سال‌های اخیر با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است. کشورهای منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و شرق آسیا همچنان از مهم‌ترین مقاصد صادراتی محسوب می‌شوند، اما رقابت میان عرضه‌کنندگان جهانی به شکل محسوسی افزایش یافته است.

بازار صادراتی گندله ایران نیز در سال‌های اخیر با تغییرات مهمی روبه‌رو شده است. کشورهای منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و شرق آسیا همچنان از مهم‌ترین مقاصد صادراتی محسوب می‌شوند، اما رقابت میان عرضه‌کنندگان جهانی به شکل محسوسی افزایش یافته است. CIS تلاش کرده‌اند سهم بیشتری از بازارهای مصرف را در اختیار بگیرند. در چنین شرایطی، مزیت رقابتی ایران بیش از هر چیز بر پایه دسترسی به ذخایر معدنی، هزینه‌های تولید و موقعیت جغرافیایی استوار شده است. نزدیکی به بازارهای مصرف منطقه، امکان حمل‌ونقل دریایی و زمینی و دسترسی به خوراک معدنی داخلی، عواملی هستند که به حفظ جایگاه صادراتی گندله ایران کمک کرده‌اند. با این حال، تداوم این مزیت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل‌ونقل، بندر و لجستیک معدنی خواهد بود.

اهمیت کیفیت در بازارهای جدید
یکی از روندهای مهم بازار جهانی طی سال‌های اخیر، افزایش توجه مصرف‌کنندگان به کیفیت گندله بوده است. واحدهای فولادی مدرن برای افزایش بهره‌وری و کاهش مصرف انرژی، تمایل بیشتری به استفاده از گندله‌های با کیفیت بالاتر دارند. این موضوع موجب شده شاخص‌هایی مانند استحکام مکانیکی، درصد آهن، میزان ناخالصی‌ها و یکنواختی محصول اهمیت بیشتری پیدا کنند. در نتیجه، رقابت در بازار جهانی تنها بر سر حجم تولید نیست، بلکه کیفیت محصول نیز به یک عامل تعیین‌کننده تبدیل شده است. برای تولیدکنندگان ایرانی، حفظ استانداردهای کیفی و ارتقای فناوری تولید می‌تواند زمینه‌ساز ورود به بازارهای جدید و افزایش ارزش صادراتی را فراهم کند. در غیر این صورت، رقابت صرفاً بر پایه نرخ ممکن است در بلندمدت سودآوری صنعت را تحت فشار قرار دهد.

چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در صنعت گندله
اگرچه ظرفیت تولید گندله در سال‌های اخیر به مرحله تثبیت رسیده است، اما این موضوع به معنای پایان سرمایه‌گذاری در این بخش نیست. بخش مهمی از سرمایه‌گذاری‌های آینده احتمالاً به جای توسعه ظرفیت اسمی، بر افزایش بهره‌وری، کاهش مصرف انرژی، بهبود کیفیت محصول و نوسازی تجهیزات متمرکز خواهد بود. بسیاری از واحدهای تولیدی در حال حرکت به سمت استفاده از

گره‌نسخه‌های جلی بر تار و پود فرش ایرانی



کیمیا ملکی: فرش دستباف ایران سال‌ها یکی از معدود کالاهایی بود که بدون تبلیغ اضافه، خودش حرف می‌زد از تبریز و کاشان تا فارس و قم اسم فرش ایرانی در بازار جهانی اعتبار داشت و برای خیلی از خریداران خارجی، ایران خودش یک برند بود. حالا اما ماجرا برعکس شده است. تولیدکننده ایرانی با هزینه بالای مواد اولیه، افت تقاضا، دشواری صادرات، تعهد ارزی، مشکلات نقل و انتقال پول و بازار داخلی کم‌رنگ دست‌وپنجه نرم می‌کند. در همان زمان رقابسی مثل هند و پاکستان با نیروی کار ارزان‌تر، دسترسی راحت‌تر به بازار جهانی و کپی نقشه‌های اصیل ایرانی همان محصول را با قیمت پایین‌تر به دنیا عرضه می‌کنند. در نتیجه فرشی که شناسنامه‌اش ایرانی است با کپی نقشه‌های ایران یا اگر هم تولید شود در بازار جهانی با نام دیگری بالا می‌رود.

صمت در این گزارش روایت یک هنر-صنعت زخمی است، صنعتی که نه فقط از تحریم و رکود بلکه از سیاست‌گذاری غلط، حمایت نمایشی و بی‌برنامگی داخلی هم ضربه خورده است.

اینجا دار قالی، آنجا صندوق فروش

سال‌ها از فرش به‌عنوان پرچم فرهنگی ایران حرف زده‌اند اما نمی‌شود این طور شعار گونه بازار را اداره کرد. بازار با حساب‌و‌کتاب می‌چرخد. وقتی دخل و خرج تولیدکننده نمی‌خواند، وقتی فروشنده نقد نمی‌شود، وقتی صادرکننده راه تنفس ندارد در نتیجه آن صنعتی که از بیرون هنوز باشکوه به‌نظر می‌رسد از داخل ترک برمی‌دارد.

یعنی بافنده ایرانی درگیر بی‌ثباتی بزرگ است. دارد امیدی را می‌بافد که ممکن است آخر کار در انبار بماند. برای همین است که خیلی‌ها دیگر سراغ این کار نمی‌روند. نه چون فرش بی‌ارزش شده، بلکه چون اقتصاد فرش از نفس افتاده است. وقتی یک هنر-صنعت به‌جای سود، فرسودگی تولید کند، طبیعی است که نسل بعدی از آن فاصله بگیرد.

اگر کسی هنوز فکر می‌کند مسئله فرش فقط کم شدن فروش است، صورت مسئله را نفهمیده است. بحران فرش از ویرین شروع نمی‌شود از خود دار قالی شروع می‌شود. از جایی که بافنده ماه‌ها زمان می‌گذارد، چشم و کمر و دستش را خرج می‌کند، مواد اولیه گران می‌خرد و در نهایت با بازاری روبه‌رو می‌شود که در آن خرید، فروش، صادرات امن و بازگشت پول معلوم نیست. این

واسطه برنده اصلی

بخش مهمی از فاجعه در مسیر خروج فرش از کشور است. کالایی که باید مزیت صادراتی باشد، در ایران به پرونده‌ای پر از مانع تبدیل شده است. تحریم، محدودیت بانکی، انتقال سخت پول، تعهد ارزی، هزینه حمل، مقررات متغیر، بروکراسی و هزار اما و اگر دیگر، صادرات فرش را از یک فعالیت اقتصادی به یک عملیات فرسایشی تبدیل کرده است.

در چنین فضایی تاجر یا کنار می‌کشد یا به کشور ثالث پناه می‌برد و با واسطه کار می‌کند. درست همین‌جا بخشی از سودی که باید نصیب ایران شود از ایران جدا می‌شود. ممکن است فرش ایرانی باشد، بافت و هویت و طرحش ایرانی باشد اما مسیر فروش، ثبت تجاری، فاکتور، شبکه توزیع و حاشیه سودش بیرون از ایران شکل بگیرد. یعنی ما تولید می‌کنیم، دیگری می‌فروشد. ما هزینه می‌دهیم، دیگری برند می‌سازد، ما ریسک می‌کشیم، دیگری حاشیه سود برمی‌دارد.

وقتی صادرکننده ایرانی برای فروش کالای ایرانی مجبور می‌شود دور بزند، پنهان کاری کند از کانال واسطه عبور کند یا از کشور دیگر استفاده کند، یعنی ساختار رسمی تجارت نتوانسته از مزیت داخلی خودش دفاع کند. در حقیقت بی‌تعارف بگوییم که با این شیوه بخشی از بازار فرش را تحریم‌ها گرفتند، بخش دیگری را خودمان دو دستی تقدیم واسطه‌ها کردیم.



هند و پاکستان وارد شدند

در بازار جهانی کسی برای ما کف نمی‌زند که اصل را نگه داشته‌ایم. بازار جهانی با ۳ چیز کار می‌کند: کیفیت، قیمت و دسترسی. ایران شاید هنوز در اصالت، سابقه و هویت فرش جلو باشد اما در دو میدان دیگر قیمت و سهولت فروش عقب افتاده است و درست همین خلأ را رقیب پر کرده است.

هند و پاکستان سال‌هاست نقشه‌های ایرانی را کپی می‌کنند. طرح ایرانی، رنگ‌وبوی ایرانی، بافت نزدیک به ذائقه خریدار فرش ایرانی اما با قیمت کمتر و مسیر فروش روان‌تر. خریدار خارجی هم اگر متخصص نباشد یا اگر صرفاً دنبال کالای شبیه با قیمت پایین‌تر بگردد، خیلی راحت سمت نسخه ارزان‌تر می‌رود. تلخی ماجرا اینجاست که تولیدکننده ایرانی دارد هزینه اصل بودن را می‌دهد اما رقیب خارجی سود شبیه‌سازی را می‌برد. در واقع ما میراث را حفظ می‌کنیم و رقیب بازار را نگه داشته است. ما قصه اصالت را تعریف می‌کنیم و آن‌ها فاکتور فروش را می‌بندند. در چنین وضعی اگر سیاست‌گذار هنوز خیال می‌کند فقط با شعار فرش ایرانی بهترین است می‌شود بازار را پس گرفت، خودش را گول می‌زند.

هویت اصیل فرش ایرانی قابل سرقت نیست



وضعیت صادرات فرش دستباف ایرانی و شایعات پیرامون فروش این هنر-صنعت اصیل به نام کشورهای همسایه به یکی از مباحث چالش‌برانگیز در روزهای اخیر تبدیل شده است. در همین راستا مسعود سپهرزاد، رئیس اتحادیه صنف فروشندگان فرش دستباف تهران ضمن رد ادعای فروش فرش ایران با برند کشورهای دیگر به تشریح موانع صادراتی و معضل کپی‌برداری رقیب در بازارهای جهانی پرداخت.

هویت غیر قابل انکار فرش ایرانی در بازارهای جهانی

مسعود سپهرزاد با اشاره به شایعات مطرح‌شده مبنی بر فروش فرش ایرانی به نام کشورهای نظیر ترکیه و امارات به **تذکره** گفت: این موضوع به هیچ عنوان مورد تایید نیست چرا که فرش ایران هویتی مستقل دارد و تمام تجار و فعالان بازارهای جهانی، این محصول را به خوبی می‌شناسند. نوع گره، شیوه بافت، طراحی و رنگ‌بندی فرش ایرانی کاملاً متمایز و دارای شناسنامه است.

وی در ادامه افزود: کشورهایمانند هند و پاکستان، تولیدات اختصاصی خود را دارند، اما به صورت گسترده اقدام به کپی‌برداری از نقشه‌های ایرانی می‌کنند. استفاده از نیروی کار و مواد اولیه ارزان‌قیمت در این کشورها سبب شده تا قیمت تمام‌شده محصول نهایی آن‌ها بسیار پایین‌تر از نمونه‌های اصیل ایرانی دربیاید. از سوی دیگر، کشوری مانند ترکیه نیز صاحب سبک است و تولیدات خود را با هویتی مجزا به بازار عرضه می‌کند.

تغییر مسیر حمل‌ونقل به جای تغییر هویت

رئیس اتحادیه صنف فروشندگان فرش دستباف تهران با تشریح راهکارهای تجار برای عبور از موانع صادراتی اظهار داشت: در مواردی صادرکنندگان برای عبور از سدهای تحریمی و مشکلات لجستیکی، ناچار به استفاده از بارنامه یا مسیرهای حمل کشور ثالث می‌شوند، اما این روند به معنای تغییر نام محصول و فروش آن به نام کشور واسطه نیست.

سپهرزاد با ذکر یک نمونه اجرایی در این خصوص تصریح کرد: به‌عنوان مثال یکی از تجار ایرانی محموله‌ای به وزن ۴۰ تن فرش را از طریق مسیر ترکیه به ژاپن صادر کرد اما اسناد کالا و فاکتورها کاملاً ایرانی بود و این محموله با هویت و برند فرش ایران در مقصد تحویل داده شد. در واقع تنها مید حمل کالا از استانبول عبور کرده بود و هویت اصیل محصول هیچ‌گونه تغییری نیافت.

سایه ستکین تحریم‌ها و رسوب کالا در انبارها

وی به چالش‌های بنیادین پس از فروش محصول در بازارهای جهانی اشاره کرد و گفت: مشکل اصلی تجارت ما حتی پس از یافتن مشتری و فروش کالا در مرحله بازگرداندن ارز حاصل از صادرات به داخل کشور نمایان می‌شود. بازار فرش دستباف به شدت تحت تاثیر تبعات تحریم، گرانی روزافزون مواد اولیه، افزایش دستمزدها، کاهش پروازهای بین‌المللی و اختلالات گسترده در شبکه حمل‌ونقل قرار گرفته است.

رئیس اتحادیه صنف فروشندگان فرش دستباف تهران در پایان با ابراز نگرانی از پیامدهای این موانع افزود: این عوامل باعث شده تا با وجود تناوب روند تولید، کالاها در انبارها رسوب کنند و در نتیجه نقشه‌ها و طرح‌های بافته‌شده با گذشت زمان قدیمی شوند. با این وجود تقاضا برای فرش دستباف ایرانی همچنان در سطح جهانی زنده است و بسیاری از خانواده‌ها و مصرف‌کنندگان اصالت این محصول را به تولیدات ماشینی ترجیح می‌دهند.

به اسم حمایت کمر بازار را شکستند

آن‌که قانونمندی و شفاف‌تر کار می‌کند، بیشتر تنبیه می‌شود و آن‌که راه میان‌بر بلد است، جلو می‌افتد. فرش را نمی‌شود با همایش، بوستر، شعار و عکس یادگاری نجات داد. این صنعت نیاز به اکسیژن اقتصادی دارد نه تعارف اداری. تا وقتی صادرکننده نتواند پول خود را بگیرد، مواد اولیه ثبات نداشته باشد، بافنده نداند حاصل ماه‌ها کار چطور فروش می‌رود هر حرفی درباره احیای فرش بیشتر شبیه تبلیغ است تا برنامه‌ای اصولی برای حمایت از این صنعت.

مواد اولیه هم از دست رفت

هستیم. آن‌وقت رقیب با هزینه پایین‌تر و قواعد ساده‌تر محصول شبیه ما را وارد بازار جهانی می‌کند و همان مشتری را می‌گیرد. در این شرایط انبار شدن فرش هم یک زخم اقتصادی است. فرش فروخته‌شده همان سرمایه قفل‌شده است یعنی تولیدکننده نمی‌تواند سفارش جدید بگیرد و نقدینگی برنمی‌گردد. یعنی دار قالی بعدی ممکن است دیگر برپا نشود. صنعتی که سرمایه‌اش در انبار بخوابد کم‌کم از درون تهی می‌شود، حتی اگر از بیرون هنوز اسمرسم داشته باشد.

این بازار فقط قربانی بی‌توجهی نشده و قربانی حمایت اشتباه هم شده است. بعضی تصمیم‌ها در ظاهر برای نظم‌دادن، حمایت‌کردن و مدیریت بازار گرفته شده‌اند اما در عمل هزینه را روی دوش همان بخشی انداخته‌اند که باید نجات پیدا می‌کرد. وقتی بخش خصوصی باید با هزار مانع کار کند اما در طرف دیگر یعنی بازیگران برخوردتر با دست‌بازتر حرکت کنند، نتیجه از قبل معلوم است. رقابت از بین می‌رود، بازار رسمی ضعیف می‌شود و انگیزه سرمایه‌گذاری پایین می‌آید. در این فضا،

ضربه فقط از سمت بازار نهایی نیست از همان ابتدای زنجیره هم مشکل وجود دارد. تولیدکننده فرش باید مواد اولیه تهیه کند پشم، رنگ، ابزار، دست‌مزدها، سرمایه در گردش اما وقتی مواد اولیه گران می‌شود و دسترسی به آن سخت و پرنوسان، قیمت تمام‌شده بالا می‌رود و رقم رقابت کمتر می‌شود. سال‌هاست فعالان این حوزه درباره اختلال در زنجیره مواد اولیه هشدار می‌دهند؛ حتی درباره خروج و قاچاق بعضی مواد به کشورهای رقیب. اگر این هشدارها را کنار روند بازار بگذاریم، تصویر نگران‌کننده‌تر می‌شود. ما در تولید، صادرات و حفظ مواد اولیه دچار مشکلات بسیاری

بحران فقط اقتصادی نیست

از سوی دیگر هنگامی که بافنده قدیمی کنار می‌کشد و جوان‌ترها وارد این حرفه نمی‌شوند، فقط ظرفیت تولید کم نمی‌شود بلکه حافظه این صنعت هم ضعیف می‌شود. فرش دستباف مجموعه‌ای از مهارت، تجربه، رنگ‌شناسی، صبر، شناخت بازار و سنت تولید است و اگر یک نسل قطع شوند به این راحتی برنمی‌گردند. اینجاست که کپی‌کار خارجی فقط سهم بازار ما را نمی‌گیرد؛ روی خلأ ما سرمایه‌گذاری می‌کند. در واقع دیگر لازم نیست تمام تاریخ ما را داشته باشد و کافی است بدانند امروز کجا ضعیف شده‌ایم. وقتی ما درگیر رفع تعهد ارزی و هزینه حمل و نوسان مواد اولیه‌ایم، رقیب روی قیمت و دسترسی تمرکز می‌کند. بازار هم بی‌رحم‌تر از آن است که برای ما صبر کند. اگر این روند ادامه پیدا کند دیگر فقط با این خیر روبه‌رو نیستیم که سهم ایران از بازار فرش کمتر شود با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که دیگران در حال ساختن بازار با الگوی ایرانی بدون ایران هستند. این دقیقاً همان نقطه خطر است جایی که مزیت ملی به خاطر ملی تبدیل می‌شود.

سخن پایانی

جهان را بر اثر مانع کرده‌ایم و همان وقت رقیب خارجی با هزینه کمتر و دسترسی بیشتر، بازار را جمع کرده‌اند. هند و پاکستان نقشه ایرانی را کپی می‌کنند، واسطه‌ها از گره‌های صادراتی ایران نان می‌خورند، بخشی از سود در کشور ثالث می‌نشیند و بافنده ایرانی آخر زنجیره می‌ماند.

فرش دستباف ایران هنوز نمرده اما با این دست‌فرمان به حاشیه رانده می‌شود. نه به این دلیل که جهان دیگر فرش ایرانی نمی‌خواهد چرا که هنوز در همه جای دنیا درخواست‌های بسیاری برای نقش‌های اصیل ایرانی وجود دارد بلکه به این دلیل که ما راه رساندن فرش ایرانی به

موفقیت مجتمع مس سرچشمه رفسنجان در اخذ مجدد گواهینامه ISO ۲۲۰۰:۲۰۱۸ (سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی)



در ادامه، مدیر امور سیستم‌ها و تضمین کیفیت نیز با قدرانی از حمایت‌های معاون طرح و برنامه‌ریزی راهبردی شرکت مس، مدیر محترم مجتمع مس سرچشمه و تلاش‌های همکاران امور ایمنی، بهداشت و محیط زیست و امور نظارت بر پیمانکاران، گفت: برگزاری این میز میز فرصتی ارزشمند برای ارزیابی اثربخشی سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی، شناسایی فرصت‌های بهبود و ارتقای بلوغ سیستم‌اتیک ما فراهم کرد.

مهندس مازیار اسماعیلی افزود: سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی در این مجتمع، نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از الزامات استاندارد، بلکه به عنوان چارچوبی راهبردی برای تضمین سلامت مصرف‌کنندگان، مدیریت مخاطرات ایمنی مواد غذایی، صیانت از اعتبار سازمان، ایفای مسئولیت‌های اجتماعی و عمل به الزامات قانونی و مقرراتی نهادهای شده است.

به‌عنوان اولین و تنها مجتمع صنعتی و معدنی موفق به استقرار سیستم ایمنی مواد غذایی شد. وی ادامه داد: استقرار این استاندارد در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان به‌عنوان اولین شرکت صنعتی و معدنی در کشور حائز اهمیت بوده و بی‌شک پیاده‌سازی و استقرار این استاندارد، گام مهمی در ارتقای سطح اطمینان امنیت مواد غذایی و افزایش کیفیت خواهد بود.

گرمی تصریح کرد: استقرار استاندارد ISO ۲۲۰۰:۲۰۱۸ مروهون حمایت بی‌شائبه مدیریت ارشد مجتمع، همکاری موثر همه معاونان و مدیران و با محوریت امور HSE، نظارت بر پیمانکاران، انبارها و سفارشات، مهندسی صنایع و سیستم‌های مدیریتی و همچنین شرکت همگامان مس به عنوان پیمانکار اصلی طبخ و توزیع غذای کارکنان مجتمع بوده است.

پیرو پیاده‌سازی و استقرار سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی مبتنی بر استاندارد بین‌المللی ISO ۲۲۰۰:۲۰۱۸، مجتمع مس سرچشمه رفسنجان به‌عنوان نخستین شرکت صنعتی و معدنی در کشور، میزبانی صدور گواهینامه طی روزهای ۱۶ و ۱۷ خردادماه در مجتمع مس سرچشمه رفسنجان برگزار شد و این مجتمع مجدداً موفق شد برای دومین بار گواهینامه استقرار سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی مبتنی بر استاندارد بین‌المللی ISO ۲۲۰۰:۲۰۱۸ را اخذ نماید.

به‌گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، در این مراسم، مدیر امور ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست مجتمع مس سرچشمه رفسنجان به تبیین گواهینامه ISO ۲۲۰۰:۲۰۱۸ (سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی) پرداخت و اظهار کرد: در سال ۱۴۰۱ برای نخستین‌بار، مجتمع مس سرچشمه

اسماعیلی تأکید کرد که این میز میز برای ما نه پایان یک فرآیند، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید در مسیر یادگیری سازمانی و ارتقای مستمر سیستم مدیریت ایمنی مواد غذایی است و امیدواریم با استمرار این رویکرد، گام‌های مؤثرتری در جهت تضمین ایمنی مواد غذایی، افزایش اعتماد ذینفعان و بهبود عملکرد سازمان برداریم.

هیوندای برای رقبا خط‌ونشان کشید

شروین اشیدری: در شرایطی که بسیاری از خودروسازان جهان هنوز میان برقی‌سازی کامل و احتیاط در برابر ریسک‌های بازار سرگردان هستند، هیوندای مسیر متفاوتی را انتخاب کرده است. این شرکت کره‌ای نه قصد عقب‌نشینی از برنامه‌های خود را دارد و نه می‌خواهد همه سرمایه‌گذاری خود را روی یک فناوری خاص متمرکز کند. راهبرد جدید هیوندای برای سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ بر یک اصل ساده اما هوشمندانه استوار است: ارائه گزینه‌های متنوع برای تمام سلیقه‌ها و نیازها.

از التترا به‌روز شده گرفته تا آیونیک ۳ اقتصادی، از کونای بازطراحی‌شده تا سانتافه مجهز به سامانه برد افزوده و همچنین توسانی که قرار است جایگاه بالاتری در بازار به دست آورد، همگی بخشی از برنامه گسترده هیوندای برای تسلط بر بازار آینده هستند. این برنامه صرفاً معرفی چند محصول جدید نیست، بلکه نشانه‌ای از تغییر نگرش یکی از بزرگ‌ترین خودروسازان جهان به آینده صنعت خودرو محسوب می‌شود. هیوندای به‌خوبی دریافته است که مشتریان امروز یکدست نیستند؛ برخی همچنان خودروهای بنزینی را ترجیح می‌دهند، برخی به خودروهای هیبریدی علاقه‌مندند، گروهی به سراغ خودروهای برقی می‌روند و عده‌ای نیز به دنبال راه‌حلی میان این دو هستند. هیوندای تلاش می‌کند برای هر یک از این گروه‌ها پاسخی مناسب داشته باشد.

در واقع، استراتژی جدید هیوندای بر پایه یک واقعیت مهم شکل گرفته است: بازار خودرو دیگر مانند گذشته قابل پیش‌بینی نیست. رفتار مشتریان تغییر کرده و فناوری‌های نوظهور با سرعتی بی‌سابقه در حال دگرگون کردن قواعد بازی هستند. در چنین فضایی، موفقیت متعلق به شرکتی است که بتواند بیشترین انعطاف را از خود نشان دهد و برای هر نوع تقاضا پاسخی آماده داشته باشد.

از یک برند اقتصادی تا یک بازیگر تأثیرگذار جهانی

در سال‌های آینده نیز نشان می‌دهد که این شرکت تنها به دنبال حفظ موقعیت فعلی خود نیست، بلکه قصد دارد سهم بیشتری از بازار جهانی را به دست آورد.

هوشمندی هیوندای در این است که برخلاف برخی رقبای، نه همه توان خود را صرف خودروهای برقی کرده و نه از ترس تغییرات بازار، روند توسعه محصولات نوین را متوقف ساخته است. این شرکت ترجیح داده همه

الترا و آیونیک ۳؛ دو پاسخ برای دو گروه متفاوت

که همچنان به خودروهای سدان علاقه دارند و خواهان یک خودروی خانوادگی، اقتصادی و قابل اعتماد هستند. در سوی دیگر، آیونیک ۳ قرار دارد؛ خودرویی تمام‌برقی و جمع‌وجور که می‌تواند به یکی از مهم‌ترین محصولات هیوندای تبدیل شود. این خودرو با توان پیمایش بیش از ۴۸۰ کیلومتر، ظرفیت آن را دارد که بخش بزرگی از خریداران خودروهای برقی اقتصادی را جذب کند. نکته مهم درباره آیونیک ۳ این است که برخلاف بسیاری از خودروهای برقی گران‌قیمت بازار، بر کاربرد روزمره و قیمت

تا چند سال پیش، هیوندای بیشتر به عنوان برندی شناخته می‌شد که خودروهایی قابل اعتماد، کم‌هزینه و اقتصادی تولید می‌کند. اما امروز این تعریف دیگر برای توصیف جایگاه این شرکت کافی نیست.

هیوندای طی سال‌های اخیر با سرعت زیادی در زمینه طراحی، فناوری و توسعه محصولات پیشرفت کرده و اکنون خود را به عنوان یکی از بازیگران اصلی صنعت خودرو معرفی کرده است. برنامه عرضه پنج محصول مهم

التترا قرار نیست دست‌خوش تغییرات بنیادین شود. این سدان محبوب تنها با یک به‌روزرسانی ظاهری و اصلاحاتی در نمای جلو و عقب عرضه خواهد شد و احتمالاً فضای داخلی آن نیز مدرن‌تر می‌شود. همین رویکرد محافظه‌کارانه در واقع نقطه قوت پروژه است، زیرا التترا در بسیاری از بازارها جایگاه تثبیت‌شده‌ای دارد و نیازی به تغییرات افراطی در آن احساس نمی‌شود.

هدف هیوندای از حفظ التترا کاملاً روشن است؛ نگه داشتن مشتریانی

سه ضربه اصلی هیوندای به قلب بازار خودروهای چندمنظوره

انتظار می‌رود این خودرو ظاهری قدرتمندتر، بدنه‌ای عضلانی‌تر و طراحی هماهنگ‌تر با ریزان جدید هیوندای داشته باشد.

توقف موقت تولید نسخه برقی کونا در سال ۲۰۲۶ نیز بیش از آنکه عقب‌نشینی باشد، یک تصمیم راهبردی به نظر می‌رسد. احتمال دارد نسل جدید این خودرو با فناوری‌های پیشرفته‌تر و توان رقابتی بیشتر

سانتافه؛ پایان اضطراب شارژ

این راهکار می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های خریداران خودروهای برقی، یعنی نگرانی از اتمام شارژ در سفرهای طولانی را تا حد زیادی برطرف کند.

اگر پیش‌بینی‌ها درست باشد و سانتافه جدید بتواند به پیمایشی نزدیک

توسان؛ ورود به سطحی بالاتر

این با حدود ۲۹۵ اسب‌بخار قدرت و سامانه چهار چرخ محرک نیز مطرح شده است.

از سوی دیگر، احتمال حذف نسخه کاملاً بنزینی وجود دارد. در صورت تحقق این موضوع، توسان از یک شاسی‌بلند اقتصادی به

تصاحب تدریجی آینده

قدم‌به‌قدم و از طریق ارائه گزینه‌های متنوع تصاحب کند. به همین دلیل است که همزمان روی به‌روزرسانی التترا، توسعه آیونیک ۳، بازطراحی کونا، عرضه سانتافه مجهز به سامانه برد افزوده و ارتقای توسان سرمایه‌گذاری می‌کند. در کنار این محصولات، پروژه‌های آینده‌نگرانه‌تری نیز در دست توسعه قرار دارند؛ از جمله

هیوندای و رقابت با غول‌های جهانی

را روی یک فناوری خاص قرار داده‌اند، اما هیوندای همزمان در چند مسیر حرکت می‌کند. این رویکرد باعث می‌شود شرکت بتواند در صورت تغییر شرایط بازار، سریع‌تر از رقبای تصمیم‌گیری کند و خود را با روندهای جدید تطبیق دهد. از سوی دیگر، هیوندای در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری در طراحی، کیفیت‌ساخت، سامانه‌های ایمنی و فناوری‌های رفاهی داشته است. امروزه بسیاری از محصولات این برند نه فقط به دلیل قیمت مناسب،

با وجود اهمیت التترا و آیونیک ۳، میدان اصلی رقابت همچنان در بازار خودروهای چندمنظوره و شاسی‌بلندها قرار دارد؛ جایی که کونا، سانتافه و توسان نقش‌های کلیدی را بر عهده گرفته‌اند.

کونا؛ آغاز فصل تازه

گزارش‌ها از بازطراحی گسترده کونا برای سال ۲۰۲۷ خبر می‌دهند.

شاید مهم‌ترین برگ برنده هیوندای در سال‌های آینده سانتافه مجهز به سامانه برد افزوده باشد. در این فناوری، خودرو به صورت برقی حرکت می‌کند اما یک موتور بنزینی کوچک به عنوان تولیدکننده برق عمل می‌کند و در صورت کاهش شارژ باتری، انرژی مورد نیاز را تأمین می‌کند.

توسان سال‌هاست یکی از موفق‌ترین محصولات هیوندای محسوب می‌شود، اما نسل آینده آن احتمالاً جاه‌طلبانه‌تر از همیشه خواهد بود. نسخه‌های هیبریدی و هیبریدی قابل شارژ همچنان در سبد محصولات باقی خواهند ماند، اما احتمال عرضه نسخه پر قدرت توسان

اهمیت برنامه هیوندای تنها در معرفی چند خودرو خلاصه نمی‌شود، بلکه در فلسفه‌های نهفته است که پشت این محصولات قرار دارد. برخلاف برخی شرکت‌ها که تلاش می‌کنند بازار را با یک تغییر ناگهانی و انقلابی دگرگون کنند، هیوندای رویکردی تدریجی و واقع‌بینانه را برگزیده است. این شرکت می‌خواهد آینده را

برنامه جدید هیوندای تنها برای حفظ سهم بازار طراحی نشده است؛ این شرکت اکنون در حال رقابت مستقیم با بزرگ‌ترین بازیگران صنعت خودرو جهان است. در بخش خودروهای برقی، شرکت‌هایی مانند تسلا، بی‌وی‌دی و فولکس‌واگن حضور فعالی دارند و در بازار خودروهای هیبریدی نیز نام‌هایی مانند تویوتا سال‌ها تجربه و اعتبار در اختیار دارند. با این حال، نقطه قوت هیوندای در انعطاف‌پذیری آن نهفته است. بسیاری از رقبای تمرکز خود

بازار خودرو در دوران گذار

صنعت خودرو امروز در یکی از حساس‌ترین و پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ خود قرار گرفته است. در دهه‌های گذشته مسیر پیشرفت خودروها تقریباً روشن بوده؛ موتورهای بنزینی و دیزلی هر سال بهینه‌تر می‌شدند و رقابت خودروسازان بیشتر بر سر طراحی، کیفیت، قدرت و امکانات رفاهی جریان داشت. اما اکنون شرایط کاملاً متفاوت است. فشار دولت‌ها برای کاهش آلاینده‌ی، سخت‌گیرانه‌تر شدن قوانین زیست‌محیطی، رشد فناوری باتری‌ها و تغییر نگاه مصرف‌کنندگان باعث شده صنعت خودرو وارد مرحله‌ای شود که هیچ‌کس نمی‌تواند با قطعیت درباره آینده آن سخن بگوید. برخی کشورها برای حذف تدریجی خودروهای بنزینی برنامه‌ریزی کرده‌اند، در حالی که بسیاری از بازارهای بزرگ هنوز زیرساخت لازم برای استفاده گسترده از خودروهای برقی را در اختیار ندارند. در چنین فضایی، برخی خودروسازان تمام تمرکز خود را روی خودروهای برقی گذاشته‌اند و برخی دیگر همچنان به مدل‌های سنتی وفادار مانده‌اند. هیوندای اما راه سومی را انتخاب کرده است. این شرکت معتقد است دوران گذار به خودروهای برقی یک فرآیند تدریجی خواهد بود و مشتریان در کشورهای مختلف با سرعت‌های متفاوتی به سمت فناوری‌های جدید حرکت می‌کنند. از همین رو، هیوندای تلاش می‌کند همزمان در تمامی بخش‌های بازار حضور داشته باشد. این سیاست نه تنها ریسک تجاری شرکت را کاهش می‌دهد، بلکه باعث می‌شود بتواند در هر شرایطی پاسخگوی نیاز مشتریان باشد. چنین رویکردی شاید کمتر همچنان‌نگیز به نظر برسد، اما از دیدگاه تجاری می‌تواند یکی از هوشمندانه‌ترین استراتژی‌های صنعت خودرو در سال‌های آینده باشد.

چرا خودروهای برقی اقتصادی اهمیت دارند؟

یکی از مهم‌ترین چالش‌های بازار خودروهای برقی در سال‌های اخیر، فاصله میان فناوری و قدرت خرید مردم بوده است. اگرچه بسیاری از خودروهای برقی از نظر فناوری پیشرفته و جذاب هستند، اما قیمت بالای آن‌ها باعث شده بخش بزرگی از مشتریان نتوانند به این بازار وارد شوند. به همین دلیل، بسیاری از کارشناسان معتقدند آینده واقعی خودروهای برقی نه در محصولات لوکس و گران‌قیمت، بلکه در خودروهای اقتصادی و خانوادگی رقم خواهد خورد. محصولاتی که بتوانند بدون تحمیل هزینه‌های سنگین، مزایای رانندگی برقی را در اختیار عموم مردم قرار دهند. آیونیک ۳ دقیقاً در همین نقطه وارد میدان می‌شود. اگر هیوندای بتواند این خودرو را با قیمتی رقابتی عرضه کند، نه تنها فروش بالایی خواهد داشت، بلکه ممکن است استاندارد جدیدی در بازار خودروهای برقی اقتصادی ایجاد کند. تجربه بازار نشان داده هرگاه فناوری‌های جدید به سطحی از قیمت برسند که برای طیف وسیع‌تری از مردم قابل دسترسی باشند، روند پذیرش آن‌ها به‌طور چشمگیری سرعت می‌گیرد. تلفن‌های هوشمند، اینترنت پرسرعت و بسیاری از فناوری‌های دیگر همین مسیر را طی کرده‌اند و خودروهای برقی نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

از این منظر، اهمیت آیونیک ۳ فراتر از یک محصول جدید است. این خودرو می‌تواند آزمون‌ی برای سنجش میزان آمادگی بازار جهت ورود گسترده‌تر خودروهای برقی اقتصادی باشد.

سخن پایانی

اگر بخواهیم همه این تحولات را در یک جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم هیوندای در حال حمله به بازار با یک منطق جدید است؛ منطقی که بر تنوع، انعطاف‌پذیری و شناخت دقیق رفتار مشتریان استوار شده است. این شرکت به‌خوبی درک کرده که آینده صنعت خودرو یک مسیر واحد نخواهد داشت. برخی مشتریان همچنان خودروهای بنزینی را ترجیح خواهند داد، برخی به سراغ خودروهای هیبریدی می‌روند، گروهی خودروهای تمام‌برقی را انتخاب می‌کنند و عده‌ای نیز راه‌حل‌های میانی مانند خودروهای مجهز به سامانه برد افزوده را مناسب‌تر می‌دانند. پنج محصول مهم هیوندای برای سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ نشان می‌دهند که این شرکت برای هر یک از این گروه‌ها پاسخی آماده کرده است. اگر این برنامه با موفقیت اجرا شود، هیوندای نه تنها جایگاه فعلی خود را حفظ خواهد کرد، بلکه می‌تواند از بسیاری از رقبایی که یا بیش از حد محتاط بوده‌اند یا بیش از اندازه شتاب‌زده عمل کرده‌اند، چند گام جلوتر قرار گیرد. در نهایت، شاید مهم‌ترین نکته درباره استراتژی جدید هیوندای این باشد که این شرکت تلاش نمی‌کند آینده را به مشتریان تحمیل کند؛ بلکه می‌کوشد برای هر مرحله از تغییرات بازار، گزینه‌ای مناسب در اختیار آن‌ها قرار دهد. در بازاری که عدم قطعیت به بزرگ‌ترین ویژگی آن تبدیل شده، چنین رویکردی می‌تواند برگ برنده‌ای باشد که هیوندای را از بسیاری از رقبای متمایز کند.

آگهی مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت پلاک خودروی وانت تویوتا هایلو کس به رنگ سفید مدل ۱۹۸۳ به نام واحد بخش جاری زانی به شماره انتظامی ۲۲۱ ع ۲۹ - ایران ۸۵ به شماره موتور ۲۷۸۶۴۴۹ و شماره شاسی ۱۵۸۶۵۳ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی سواری سمند ایکس ۲ مدل ۱۳۸۴ به رنگ نقره ای - آبی روشن به شماره موتور ۲۳۵۳۷-۱۲۴۸۴ و شماره شاسی ۹۱۷۹-۱۴۵۰ به شماره انتظامی ۳۴۳ ص ۷۲ - ایران ۹۵ به نام بنیامین فولادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز خودروی وانت پیکان OHV ۱۶۰۰ مدل ۱۳۹۳ به رنگ سفید شیرازی به شماره موتور ۰۶۶۰۷۷-۱۱۸۲۰ و شماره شاسی ۰۳۲-EG۶۶۲-NAAM۶۶۸۸ به شماره انتظامی ۸۷۵ ب ۲۹ - ایران ۸۵ به نام قادربخش اسمعیل زهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ سبز - کارت - سند فروش وانت تویوتا هایلو کس مدل ۱۹۸۵ به شماره موتور ۰۱۷۱۲۲۷ و شماره شاسی ۰۰۱۲۳۵ به شماره انتظامی ۳۱۵ د ۱۶ - ایران ۹۵ به نام گللاب شهنوازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

سند مالکیت (برگ سبز) و کارت هوشمند سوخت خودروی وانت تویوتا ۲۰۰۰ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۹۸۳ به نام رستم سپاسی به شماره انتظامی ۴۳۷ س ۲۱ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۲۱۶۵۲۳۵ و شماره شاسی ۶۰۶۰۷۹ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) و کارت هوشمند سوخت و کارت پلاک خودروی سواری پژو GLX-XU۷ ۰۵۰۵ مدل ۱۳۹۲ به نام نسرتین دهواری به شماره انتظامی ۷۳۴ ن ۹۲ - ایران ۹۵ به شماره موتور ۱۶۳۳۷۴-۱۲۴۸۰ و شماره شاسی ۰۱۲۵۷-NAAM۰۱CA۰DH۴ به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی

برگ فروش کارخانه خودروی سواری ام وی ام ARRIZO۵T-AT به رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۹۹ به شماره موتور ۰۱۰۵۴۵-MVME۲T۱۵BARL و شماره شاسی ۰۶۲۹-۱۰۲۰-NATECANH۲L به شماره انتظامی ۹۲۱ ن ۵۳ - ایران ۴۶ به نام امیر محسن کامبوزیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

آگهی مفقودی

سند و فاکتور فروش و سند مالکیت (برگ سبز) موتورسیکلت انژکتوری بلوچ CC ۲۰۰ به رنگ مشکی مدل ۱۴۰۱ به نام عبدالحمید جنگی زهی شسغانی به شماره انتظامی ۸۲۳ - ۹۳۱۹۸ به شماره موتور ۰۹۷۸-NCT۱۰۱۹۷NCT۱ و شماره شاسی ۰۸۸۲-NCT۱۱B۲۸ENMA به علت سهل انگاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منعت www.smtnews.ir/about.html	
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «منعت»	
مدیرمسئول: عاطفه خسروی	
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۶۰۹۱۹۱۲۵۱۴۶	
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com	
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی - ۱۰۸)	
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸	
تهران، خیابان قائم مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۳۲۸۱	
روابط عمومی: pr@smtnews.ir	
چاپخانه: صمیم	
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://etaa.com/smtnews
https://ble.ir/smtnews	
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات	



درختان بی‌منت تهران

الزامات شهرسازی ایران در دوران پسابحران

جنگ اخیر فقط یک رویداد نظامی نبود، بلکه هشداری جدی برای بازنگری در شیوه توسعه شهرهای ایران به‌شمار می‌آید. این بحران نشان داد الگوی فعلی شهرسازی، که بیشتر بر گسترش کالبدی و تمرکز خدمات استوار بوده، در برابر شوک‌های امنیتی، اجتماعی و زیرساختی آسیب‌پذیر است. اکنون بیش از هر زمان دیگری این پرسش مطرح است که آیا شهرهای کشور برای آینده‌ای پربینک آماده‌اند یا همچنان با ساختاری متمرکز و شکننده اداره می‌شوند؟

حسین کلانتری خلیل‌آباد با اشاره به پیامدهای جنگ اخیر ایران و آمریکا بر آینده شهرها و کیفیت زیست شهری اظهار کرد: اگر بخواهیم جنگ اخیر را صرفاً در سطح یک درگیری نظامی یا تنش ژئوپلیتیکی تحلیل کنیم، در واقع مهم‌ترین پیام آن را نادیده گرفته‌ایم. این بحران، در لایه‌های عمیق‌تر، نوعی آشکارسازی ساختاری بود و بسیاری از ضعف‌ها، شکنندگی‌ها و تناقض‌هایی را که طی دهه‌ها در ساختار فضایی، مدیریتی و کالبدی شهرهای ایران انباشته شده بود، آشکار کرد.

گذار از شهر توسعه‌محور به شهر تاب‌آور

به گزارش ایسنا وی افزود: جنگ‌ها معمولاً فقط ساختمان‌ها را تخریب نمی‌کنند، بلکه کیفیت نظام برنامه‌ریزی، میزان تاب‌آوری زیرساخت‌ها، ظرفیت نهادهای مدیریت شهری و حتی عمق انسجام اجتماعی را نیز آشکار می‌کنند. کلانتری ادامه داد: طی چند دهه گذشته عمدتاً با یک نگاه توسعه‌محور به شهرسازی و معماری مواجه بوده‌ایم؛ نگاهی که توسعه را بیشتر در قالب شاخص‌های کمی و کالبدی تعریف می‌کرد؛ از افزایش ساخت‌وساز و توسعه بزرگراه‌ها گرفته تا برج‌سازی، گسترش فیزیکی شهرها و تولید انبوه مسکن. اما بحران اخیر نشان داد توسعه، اگر با مفهوم تاب‌آوری همراه نباشد، می‌تواند بسیار شکننده باشد.

وی با تأکید بر اینکه امروز دیگر مسئله اصلی میزان ساخت‌وساز نیست، تصریح کرد: پرسش اساسی این است که آیا ساختار شهری در شرایط بحران توان ادای حیات، حفظ عملکرد و استمرار کیفیت زندگی را دارد یا خیر.

عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی خاطر‌نشان کرد: ما در آستانه یک تغییر پارادایمی در فهم شهر قرار گرفته‌ایم؛ یعنی گذار از «شهر توسعه‌محور» به «شهر تاب‌آور». شهر تاب‌آور صرفاً شهری مدرن یا پرباشتمان نیست، بلکه شهری است که بتواند در شرایط بحران، اعم از جنگ، بحران اقلیمی، فشار اقتصادی یا اختلال زیرساختی، کارکردهای حیاتی خود را حفظ کند و شهروندان همچنان امکان زیستن، حرکت، دسترسی و تعامل را داشته باشند.

وی با بیان اینکه ایران هم‌زمان با چالش‌های ژئوپلیتیکی، بحران انرژی، تنش‌های اقلیمی و فشارهای اقتصادی مواجه است، اظهار کرد: در چنین شرایطی، مسئله معماری و شهرسازی دیگر صرفاً موضوع زیبایی، فرم یا توسعه فیزیکی نیست، بلکه بخشی از مسئله امنیت ملی، پایداری اجتماعی و آینده تمدنی ایران محسوب می‌شود.

کلانتری افزود: اگر شهر نتواند در شرایط بحران به حیات خود ادامه دهد، اگر زیرساخت‌های آن بیش از حد متمرکز و شکننده باشند و اگر شبکه‌های محلی و اجتماعی تضعیف شده باشند، آن جامعه حتی بدون جنگ نیز در وضعیت آسیب‌پذیر قرار خواهد گرفت.

تمرکزگرایی؛ تهدیدی راهبردی برای ایران

وی در ادامه با اشاره به تمرکزگرایی در ساختار فضایی کشور گفت: یکی از مهم‌ترین پیام‌های بحران اخیر، آشکار شدن خطرات متمرکز شدید در نظام فضایی ایران بود. ما به‌ویژه در تهران با نوعی تمرکز چندلایه و انباشته مواجه هستیم؛ تمرکز جمعیت، سرمایه، زیرساخت، خدمات درمانی، مراکز تصمیم‌گیری، شبکه‌های ارتباطی، اشتغال و حتی فرصت‌های فرهنگی و اقتصادی. این



منبع: ایسنا

اقتصاد خیابانی زیر ذره‌بین

بازار بزرگ تهران به عنوان مهم‌ترین مرکز تجارت سنتی کشور، این روزها بار دیگر با یکی از قدیمی‌ترین چالش‌های خود یعنی گسترش فعالیت دستفروشان در معابر عمومی مواجه شده است. موضوعی که به تازگی در نشست مشترک حمیدرضا رستگار، رئیس اتاق اصناف تهران و معاونت خدمات شهری و محیط‌زیست شهرداری تهران مورد بررسی قرار گرفت و خروجی آن، تصمیم برای ساماندهی فوری بساط‌گستران در محور خیابان پانزده خرداد، حداقل‌ها چهارراه گلوندک تا چهارراه سیروس بود؛ مبحثی که از یک سو با مطالبات کسبه و الزامات مدیریت شهری گره خورده و از سوی دیگر با معیشت هزاران نفر ارتباط مستقیم دارد.

بررسی‌های میدانی از این محدوده نشان می‌دهد که دستفروشی در سال‌های اخیر به یکی از اجزای ثابت اقتصاد غیررسمی بازار تهران تبدیل شده است.

بسیاری از صاحبان واحدهای صنفی معتقدند توسعه فعالیت دستفروشان، توازن رقابتی در بازار را بر هم زده است. کسبه‌ای که هزینه‌های ثابت شامل اجاره‌بها، مالیات، بیمه، عوارض و سایر تعهدات قانونی را پرداخت می‌کنند، می‌گویند در شرایط رکود نسبی بازار و کاهش قدرت خرید خانوارها، فعالیت فروشندگان فاقد مجوز در مقابل واحدهای تجاری، بخشی از مشتریان را به سمت بازار غیررسمی هدایت کرده است.

یکی از فعالان صنفی در بازار بزرگ تهران می‌گوید: «فروشنده‌گان رسمی با افزایش هزینه‌های کسب‌وکار مواجه هستند، اما دستفروشان بدون پرداخت هزینه‌های مشابه، در همان محدوده فعالیت می‌کنند. این موضوع عملاً شرایط رقابت را برای واحدهای صنفی دشوار کرده است.»

در مقابل، دستفروشان روایت دیگری از واقعیت اقتصادی موجود ارائه می‌دهند. بسیاری از آنها افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش فرصت‌های شغلی و ناتوانی در تأمین سرمایه لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکار رسمی را از عوامل اصلی حضور خود در معابر بازار عنوان می‌کنند. برای این گروه، دستفروشی نه یک انتخاب، بلکه راهکاری برای حفظ حداقل درآمد خانوار محسوب می‌شود.

کارشناسان اقتصاد شهری نیز معتقدند رشد دستفروشی در کلان‌شهرها معمولاً بازتابی از شرایط اقتصاد کلان و بازار کار است. هرچه فشارهای معیشتی افزایش یابد و فرصت‌های اشتغال رسمی محدودتر شود، سهم اقتصاد غیررسمی در فعالیت‌های شهری نیز رشد خواهد کرد. از این منظر، دستفروشی صرفاً یک مسئله انتظامی یا شهری نیست، بلکه بخشی از واقعیت اقتصادی جامعه به‌شمار می‌رود. با این حال، پیامدهای توسعه فعالیت‌های غیررسمی در بازار تهران تنها به رقابت اقتصادی محدود نمی‌شود. اشتغال بخش‌هایی از پیاوده‌وها و معابر، کاهش دسترسی مشتریان به واحدهای صنفی، افزایش تراکم جمعیت و اختلال در تردد شهروندان از جمله مشکلاتی است که فعالان بازار و مدیران شهری بر آن تأکید دارند. در همین چارچوب، هیات امنای بازار بزرگ تهران طی ماه‌های اخیر پیگیری‌هایی را برای رسیدگی به این وضعیت انجام داده است. به گفته مسئولان صنفی، افزایش تعداد بساط‌گستران و ناراضی‌ت فعالان اقتصادی بازار، زمینه برگزاری جلسات مشترک میان نمایندگان بازار، اتاق اصناف تهران و شهرداری را فراهم کرده است. بر اساس اعلام اتاق اصناف تهران، در نشست اخیر میان رئیس اتاق اصناف و معاون خدمات شهری و محیط‌زیست شهرداری تهران، مشکلات واحدهای صنفی ناشی از بساط‌گستری مورد بررسی قرار گرفت و دو طرف بر ضرورت ساماندهی فوری این محدوده تأکید کردند. اقدامی که از نگاه فعالان بازار می‌تواند به بهبود شرایط فعالیت کسب‌وکارهای رسمی و تسهیل تردد شهروندان منجر شود.

با این حال، تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد موفقیت طرح‌های ساماندهی زمانی پایدار خواهد بود که هم‌زمان با رفع موانع شهری، راهکارهایی برای مدیریت معیشت دستفروشان نیز در نظر گرفته شود. موفقیت طرح‌های ساماندهی زمانی پایدار خواهد بود که هم‌زمان با رفع موانع شهری، راهکارهایی برای مدیریت معیشت دستفروشان نیز در نظر گرفته شود. ایجاد بازارچه‌های موقت، اختصاص فضاهای مشخص برای فروش کالا و طراحی سازوکارهای حمایتی از جمله پیشنهادهایی است که از سوی کارشناسان برای کاهش تعارض میان بخش رسمی و غیررسمی اقتصاد شهری مطرح می‌شود.

بازنشستگان تأمین اجتماعی؛ قربانیان خاموش بی‌عدالتی در روزهای سخت کشور

علا مینایی - کارشناس حقوقی بازار کار و تأمین اجتماعی: در روزگاری که کشور با فشارهای اقتصادی، تورم فزاینده، ناامنی‌های ناشی از جنگ و نگرانی‌های گسترده اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کند، انتظار می‌رود نخستین گروهی که مورد حمایت حاکمیت و نهادهای عمومی قرار گیرند، بازنشستگان باشند؛ کسانی که تمام عمر خود را صرف تولید، آموزش، صنعت، کشاورزی، خدمات و توسعه کشور کرده‌اند و امروز در سال‌های پایانی عمر، چشم انتظار اجرای حقوق قانونی خویش هستند. اما واقعیت تلخ آن است که بازنشستگان تأمین اجتماعی نه‌تنها از حمایت‌های ویژه برخوردار نشده‌اند، بلکه در بسیاری موارد با تأخیر، تعلق، کوتاهی و بعضاً بی‌تفاوتی در اجرای حقوق قانونی خود مواجه شده‌اند.

سازمان تأمین اجتماعی که بزرگ‌ترین نهاد بیمه‌ای کشور محسوب می‌شود، نهادی دولتی نیست که منابع آن از بودجه عمومی تأمین گردد. سرمایه این سازمان متعلق به کارگران، بازنشستگان و بیمه‌پردازانی است که طی ده‌ها سال از دسترنج خود حق بیمه پرداخت کرده‌اند. بنابراین هرگونه تأخیر در پرداخت مطالبات بازنشستگان یا امتناع از اجرای کامل قوانین حمایتی، در واقع دخل و تصرف در حقوق صاحبان اصلی این سرمایه است.

بازنشستگان امروز با سه بحران هم‌زمان مواجه‌اند:

نخست، کاهش شدید قدرت خرید ناشی از تورم افسار‌گریخته؛ دوم، افزایش بی‌سابقه هزینه‌های درمان و دارو و سوم، نبود حمایت‌های جانبی متناسب با شرایط بحرانی کشور.

در حالی که قیمت بسیاری از داروهای طی سال‌های اخیر چندین برابر شده، سهم پرداختی بازنشستگان برای درمان همچنان رو به افزایش است. بسیاری از بیماران مزمن، سالمندان و افراد دارای بیماری‌های خاص ناچارند بخش عمده مستمری ماهانه خود را صرف تهیه دارو کنند، این وضعیت با فلسفه وجودی نظام بیمه‌های اجتماعی و اصول عدالت اجتماعی سازگار نیست.

از سوی دیگر، کمک‌های جانبی نظیر بن معیشت، حق مسکن، کمک هزینه درمان و سایر مزایای رفاهی فاصله‌های عمیق با واقعیت‌های زندگی بازنشستگان پیدا کرده است؛ مبالغی که شاید در زمان تصویب واجد اثر بوده‌اند، اکنون در برابر موج تورم عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند.

پرسش اساسی اینجاست که چرا در شرایطی که کشور با وضعیت ویژه اقتصادی و امنیتی مواجه است، برنامه‌ای فوق‌العاده برای حمایت از بازنشستگان تأمین اجتماعی تدوین نشده است؟

آیا بازنشستگی‌کنی که ده‌ها سال در سخت‌ترین شرایط به تولید ملی و اقتصاد کشور خدمت کرده‌اند، سزای آن نیستند که در روزهای دشوار مورد توجه ویژه قرار گیرند؟

جامعه‌بازنستگی کشور انتظار دارد مدیران سازمان تأمین اجتماعی به جای توجیه مشکلات، برنامه‌ای عملیاتی برای جبران کاهش قدرت خرید ارائه کنند؛ انتظار دارد منابع سازمان با اولویت معیشت و درمان بازنشستگان مدیریت شود؛ انتظار دارد بدهی‌های انباشته دولت به سازمان تعیین تکلیف گردد و آثار آن مستقیماً در زندگی بازنشستگان مشاهده شود.

مطالبه بازنشستگان، مطالبه‌ای سیاسی نیست؛ مطالبه‌ای قانونی، انسانی و اخلاقی است.

بازنشستگان خواهان اجرای قانون هستند؛ نه امتیاز ویژه.

خواهان حفظ کرامت هستند؛ نه صدقه.

خواهان دسترسی به درمان مناسب‌اند؛ نه وعده‌های تکراری. خواهان زندگی شرافتمندانه‌اند؛ همان زندگی که حاصل ده‌ها سال کار و پرداخت حق بیمه بوده است. امروز بیش از هر زمان دیگری، سازمان تأمین اجتماعی نیازمند بازگشت به مأموریت اصلی خود است؛ مأموریتی که در آن بازنشسته نه یک هزینه، بلکه صاحب اصلی سرمایه سازمان محسوب می‌شود. تاریخ قضاوت خواهد کرد که مدیران امروز در برابر میلیون‌ها بازنشسته‌ای که چشم انتظار عدالت بودند، چه کردند و چه پاسخی برای نسل‌هایی خواهند داشت که عمر خود را به امید امنیت دوران سالمندی سپری کردند.

کرامت بازنشستگان، مطالبه‌ای قابل تعویق نیست. عدالت اجتماعی، وعده‌ای برای آینده نیست و حقوق بازنشستگان، حقی است که باید همین امروز اجرا شود.

مدیریت رفتارهای ضد بهرهوری در نظام بانکی

هدف‌های مختلف در روابط درون فردی، میان فردی، گروهی و سازمانی د. جهت آسیب زدن و تخریب و تضعیف حقوق فرد و گروه و سازمان و مشتریان صورت می‌گیرد مختص یک سازمان و کار کسب و کار خاص نمی‌باشد و همه سازمان‌ها و شرکت‌ها و کسب و کارها در ابعاد و اندازه و اشکال مختلف و با موضوع فعالیت متفاوت در معرض رفتارهای ضد بهرهوری قرار دارند گفت: همانگونه که کارایی و اثربخشی و بهره‌وری برای فعالیت همه سازمان‌ها با ماهیت حقوقی و موضوع فعالیت یک اصل و موضوع غیر قابل انکار می‌باشد در مقابل مقوله رفتارهای ضد بهره‌وری و کج کارکردها و فشارهای غیر مولد که برخاسته و نشات گرفته از مسائل و موارد مختلف می‌باشد همواره گریبان مدیران و سازمان‌ها را می‌گیرد معادی بانک‌ها و موسسات مالی و پولی را مستثنا از این قاعده ندانسته و در این باره خاطر نشان ساخت کتاب حاضر به صورت اختصاصی به مسائل و مباحث

مبتلا به نظام بانکی از جنس رفتار ضد بهروری پرداخته به نحوی که اشکال و

ابعاد مختلف آن در سطوح متفاوت می‌تواند به واسطه میزان اهمیت در قالب تخلف، رفتار مجرمانه و سو جریان مالی ریسک شهرت و تبعات مختلف را متوجه بانک در وهله اول و نظام بانکی در مراتب بعدی نماید. معادی با اشاره به اینکه کتاب مذکور در شش فصل تدوین گردیده گفت: فصل اول کتاب به چرایی و دلایل ضرورت بررسی رفتارهای ضد بهره‌وری در نظام بانکی پرداخته شده است و فصل دوم به مفاهیم و ادبیات بهروری در ابعاد و اشکال مختلف اختصاص یافته است همچنین فصل سوم این کتاب خوانندگان را با مفاهیم و مباحث رفتارهای ضد بهروری آشنا می‌سازد و فصل چهارم کتاب به صورت اختصاصی به رفتارهای ضد بهره‌وری در نظام بانکی می‌پردازد فصل پنجم کتاب نیز الگوی پیشنهادی برای مدیریت رفتارهای ضد بهرهوری را در اختیار



شده است گفتنی است از این نویسنده در گذشته آثار دیگری از جمله تکریم ارباب رجوع، مدیریت بحران، اخلاق مداری از حرف تا عمل ؛ مجموعه مقالات مدیریت و کتاب‌های دیگر چاپ و منتشر شده است